



تبریز؛ میزبان  
دومین جشنواره ملی  
فیلم و فیلمنامه ایثار

در صفحه ۴

سه‌شنبه ۱۱ آذر ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۵۴ قیمت ۵۰۰۰ تومان

# طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۲

## اتحاد ملی لازمه عبور از بحران‌های امروز ایران

طرح نو؛ سردبیر  
در شرایط کنونی، ایران در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی و ژئوپلیتیکی خود قرار دارد. مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان، چه از بیرون و چه از درون، ساختار اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور را تحت فشار قرار داده است. از یک‌سو تهدیدات خارجی در پیرامون مرزهای کشور و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای محیطی پرتنش را ایجاد کرده‌اند، و از سوی دیگر بحران‌های طبیعی از جمله کمبود آب، خشکسالی، فرسایش خاک و آلودگی محیط زیست، حیات اقتصادی و اجتماعی را در معرض خطر قرار داده‌اند. در چنین شرایطی، هیچ راهی جز پابندی همه ایرانیان به اصل اتحاد ملی و همبستگی اجتماعی برای عبور از این بحران‌ها وجود ندارد.....

شهری

۸

## پرونده ویژه: تبریز پایتخت محیط زیست شهرهای آسیایی؛ تبریز در مسیر آینده؛ شهر سبز هوشمند، پیوند فناوری، طبیعت و شهروندان

ورزش

۳

## رسوایی بزرگ در سیرجان! میزبانی که اعتبار لیگ را خدشه دار کرد

۱ گزارش

همزمان با سالگرد قیام میرزا کوچک خان و نزدیک شدن به سالگرد سرنگونی فرقه دموکرات بررسی می‌شود:

### «پیشه‌وری» در قیام «میرزا کوچک خان جنگلی»

طرح نو؛ سردبیر  
قیام جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی، در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول در واکنش به آشفتگی سیاسی، نفوذ خارجی و بی‌عدالتی اجتماعی در ایران آغاز شد. این جنبش در پی ایجاد حکومتی بود که بتواند از حقوق مردم دفاع کند و با قدرت‌های استعماری مقابله نماید.  
در آن دوره، ایران درگیر رقابت‌های قدرت‌های بزرگ (به ویژه بریتانیا و روسیه تزاری سابق) بود. قرارداد ۱۹۱۹ و توفاللدوله، که به نوعی استعمار اقتصادی و سیاسی ایران را تثبیت می‌کرد، خشم عمومی را برانگیخت. جنبش جنگل به عنوان یک واکنش، بر پایه‌های مذهبی و میهن‌پرستانه استوار بود، اما با گذشت زمان و تأثیرپذیری از تحولات جهانی، به‌ویژه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، اندیشه‌های نوینی نیز به آن راه یافت.  
با رخداد انقلاب اکتبر و روی کار آمدن حکومت شوروی، فضای فکری جدیدی در میان برخی روشنفکران ایرانی پدید آمد که به گسترش اندیشه‌های عدالت‌خواهانه و برابری اجتماعی کمک کرد. این تغییرات در گیلان، که همواره دروازه‌ای به سوی تحولات فکری بود، زمینه را برای ورود فعالانی با دیدگاه‌های متفاوت فراهم ساخت. سیدجعفر پیشه‌وری یکی از این افراد بود که با کوله‌باری از تجارب روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های سیاسی در قفقاز، به این صحنه وارد شد.  
**بستر تاریخی و زمینه‌های فکری**  
جنبش جنگل از ابتدا یک جنبش یکپارچه با یک ایدئولوژی واحد نبود، بلکه ائتلافی از نیروهای مختلف ...

بررسی جایگاه ایران در اشعار نظامی

## نظامی گنجوی؛ فرزند برجسته‌ی ایران

در صفحه ۲

همزمان با سالگرد قیام میرزا کوچک خان و نزدیک شدن به سالگرد سرنگونی فرقه دموکرات بررسی می‌شود:

# «پیشه‌وری» در قیام «میرزا کوچک خان جنگلی»

شکاف‌هایی را آشکار ساخت.  
محور اصلی حکومت میرزا کوچک خان، استقلال ملی ایران با تکیه بر مبانی اسلامی و محلی بود. او یک ملی‌گرا بود که به حفظ هویت ایرانی و مقابله با هر نوع دخالت خارجی (چه روس و چه انگلیس) اعتقاد داشت. از دیدگاه میرزا، اتحاد با شوروی ابزاری موقت برای دفع خطر انگلیس بود، نه یک هدف ایدئولوژیک دائمی. اما سیدجعفر پیشه‌وری عمیقاً تحت تأثیر سوسیالیسم بین‌المللی بود. او معتقد بود که استقلال واقعی تنها با برچیدن ساختارهای طبقاتی و ایجاد یک حکومت کارگری-دهقانی به دست می‌آید. او بر ضرورت پیوند با شوروی به عنوان تنها نیروی ضد سرمایه‌داری جهان تأکید می‌کرد. این امر به معنای پذیرش الگوهای شوروی در سازماندهی سیاسی و اقتصادی بود.  
بزرگ‌ترین تضاد عملی در جمهوری گیلان، حول محور اصلاحات ارضی بود. میرزا کوچک‌خان، با وجود حمایت دهقانان، به دلیل حفظ پایگاه اجتماعی خود در میان برخی مالکین محلی و همچنین احتیاط در برابر تغییرات بنیادی اجتماعی، در اجرای اصلاحات رادیکال ارضی مردد بود. اما پیشه‌وری و یارانش از مؤلفه‌های کمونیستی پشتیبانی می‌کردند و خواستار ملی‌سازی منابع و توزیع مجدد زمین‌ها بر اساس اصول سوسیالیستی بودند. این اختلاف بر سر چگونگی اداره زمین‌ها، به درگیری‌های داخلی دامن زد. به عنوان مثال، تلاش‌های پیشه‌وری برای اجرای سیاست‌هایی شبیه به سیاست‌های بلشویک‌ها، با مقاومت عناصر سنتی‌تر جنبش که حول محور میرزا بودند، روبرو می‌شد.  
میرزا کوچک‌خان به عنوان رهبر «حزب اتحاد اسلام» همواره تلاش می‌کرد تا جنبش را با هویت مذهبی منطقه هماهنگ سازد تا از حمایت روحانیت و مردم سنتی بهره‌مند شود. در مقابل، پیشه‌وری و گروه سوسیالیست همراهش، هرچند ممکن بود در ظاهر احترام به مذهب را حفظ کنند، اما در عمل، بر سکولاریسم سیاسی و تقدم مبارزه طبقاتی در بدغدغه‌های دینی تأکید داشتند. این تضاد به تدریج در جهت‌گیری سیاسی جمهوری شوروی گیلان بازتاب یافت، جایی که تضاد میان ملی‌گرایی مذهبی و سوسیالیسم بین‌المللی به یک دوگانگی تبدیل شد.



۳. نقش در سازماندهی جمهوری شوروی گیلان  
پس از موفقیت‌های اولیه میرزا کوچک‌خان و آغاز مذاکرات با شوروی، نیروهای کمونیست و سوسیالیست ایرانی که عمدتاً از طریق حزب عدالت سازمان یافته بودند، نقش پررنگی در تثبیت و اداره امور شهری ایفا کردند. پیشه‌وری، به همراه افرادی چون حیدر عمو اوغلی و تقی‌زاده (که بعداً از میرزا فاصله گرفت)، یکی از رهبران فکری این جریان در گیلان بود.  
هدف او دفاع از آرمان‌های محرومان و ایجاد جامعه‌ای برابرتر بود که با آرمان اسلامی-میمنه میرزا کوچک‌خان در تقاطع هم‌پوشانی داشت؛ نفی سلطه خارجی، برقراری نظم و عدالت، و مبارزه با حکام فاسد. در جمهوری گیلان، پیشه‌وری عملاً به عنوان یکی از رهبران فکری جناح چپ عمل می‌کرد و تلاش داشت تا اصول سوسیالیستی در ساختار حکومتی جدید پیاده شود. او در این دوره بر ضرورت «انقلاب اجتماعی» علاوه بر «انقلاب ملی» تأکید می‌ورزید.  
**اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی**  
هم‌سویی اولیه میان میرزا کوچک‌خان و پیشه‌وری بر سر دو محور اصلی استوار بود: ملی‌گرایی ضدبیمگانه و ضدیت با نظم موجود (استبداد داخلی و نفوذ خارجی). با این حال، تفاوت‌های بنیادین در مبانی نظری، به سرعت

طرح نو؛ سردبیر  
قیام جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی، در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول در واکنش به آشفتگی سیاسی، نفوذ خارجی و بی‌عدالتی اجتماعی در ایران آغاز شد. این جنبش در پی ایجاد حکومتی بود که بتواند از حقوق مردم دفاع کند و با قدرت‌های استعماری مقابله نماید.  
در آن دوره، ایران درگیر رقابت‌های قدرت‌های بزرگ (به ویژه بریتانیا و روسیه تزاری سابق) بود. قرارداد ۱۹۱۹ و توفاللدوله، که به نوعی استعمار اقتصادی و سیاسی ایران را تثبیت می‌کرد، خشم عمومی را برانگیخت. جنبش جنگل به عنوان یک واکنش، بر پایه‌های مذهبی و میهن‌پرستانه استوار بود، اما با گذشت زمان و تأثیرپذیری از تحولات جهانی، به‌ویژه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، اندیشه‌های نوینی نیز به آن راه یافت.  
با رخداد انقلاب اکتبر و روی کار آمدن حکومت شوروی، فضای فکری جدیدی در میان برخی روشنفکران ایرانی پدید آمد که به گسترش اندیشه‌های عدالت‌خواهانه و برابری اجتماعی کمک کرد. این تغییرات در گیلان، که همواره دروازه‌ای به سوی تحولات فکری بود، زمینه را برای ورود فعالانی با دیدگاه‌های متفاوت فراهم ساخت. سیدجعفر پیشه‌وری یکی از این افراد بود که با کوله‌باری از تجارب روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های سیاسی در قفقاز، به این صحنه وارد شد.  
**بستر تاریخی و زمینه‌های فکری**  
جنبش جنگل از ابتدا یک جنبش یکپارچه با یک ایدئولوژی واحد نبود، بلکه ائتلافی از نیروهای مختلف بود: دهقانان ناراضی، روشنفکران ضدامپریالیست، روحانیون اصلاح‌طلب، و نیروهای قزاق ناراضی. در حالی که هسته اصلی جنبش بر محوریت میرزا کوچک‌خان، یک شخصیت مذهبی و ملی‌گرا، شکل گرفته بود، به‌نایز به پشتیبانی فکری و سازماندهی مدرن، ورود روشنفکرانی مانند پیشه‌وری را هموار ساخت.  
انقلاب اکتبر تأثیر عمیقی بر بخشی از طبقه روشنفکر ایران گذاشت. بسیاری از ایرانیان مقیم قفقاز و آسیای مرکزی، که با اندیشه‌های مارکسیستی و عدالت اجتماعی از طریق حزب عدالت آشنا شده بودند، پس از فروپاشی روسیه تزاری، به ایران بازگشتند. این بازگشت، نه تنها نیروی انسانی، بلکه یک چارچوب نظری جدید برای مبارزه با استثمار داخلی و خارجی به ارمغان آورد.

منابع  
۱- آبراهامیان، پرواند. ایران بین دو انقلاب. ترجمه کاظم فیروزمند.  
۲- ناطق، هما. ایران در راهیابی فرهنگی.  
۳- جهانگیری، محسن. جمهوری شوروی گیلان.  
۴- مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران.  
۵- سروشیان، بهمن. تاریخ احزاب سیاسی ایران.

### تأثیرات تاریخی و سیاسی

نقش پیشه‌وری در قیام جنگل فراتر از یک مشاور ساده بود؛ او نماینده ایدئولوژی مدرنی بود که برای اولین بار

## سرمقاله

# اتحاد ملی لازمهی عبور از بحران‌های امروز ایران

طرح نو؛ سردبیر

در شرایط کنونی، ایران در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی و ژئوپلیتیکی خود قرار دارد. مجموعه‌ای از بحران‌های هم‌زمان، چه از بیرون و چه از درون، ساختار اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور را تحت فشار قرار داده است. از یک‌سو تهدیدات خارجی در پیرامون مرزهای کشور و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای محیطی پرتنش را ایجاد کرده‌اند، و از سوی دیگر بحران‌های طبیعی از جمله کمبود آب، خشکسالی، فرسایش خاک و آلودگی محیط زیست، حیات اقتصادی و اجتماعی را در معرض خطر قرار داده‌اند. در چنین شرایطی، هیچ راهی جز پابندی همه ایرانیان به اصل اتحاد ملی و همبستگی اجتماعی برای عبور از این بحران‌ها وجود ندارد.

### تهدیدات پیرامونی و ضرورت حفظ انسجام ملی

جغرافیای سیاسی ایران، قرارگرفته میان چند منطقه پرآشوب همچون خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز، ماهیتی چندوجهی دارد؛ از شرق، ناامنی‌های افغانستان و حضور گروه‌های تندرو می‌تواند دامنه بحران را به مرزهای ایران بکشاند؛ از غرب، تحولات عراق و حضور نیروهای آمریکایی و رقابت جناح‌های سیاسی تأثیر مستقیمی بر مرزهای غربی دارد؛ و در شمال، تحرکات ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی، رقابت قدرت‌های بزرگ و دخالت رژیم‌هایی که ثبات منطقه را تهدید می‌کنند، فضای بی‌اعتمادی را گسترش داده‌اند. آتش بس بعد از جنگ ۱۲ روزه و احتمال تداوم جنگ علیه ایران توسط رژیم صهیونیستی و محور غرب نیز چالشی مهم پیش روی ایران است.

در چنین محیطی، مهم‌ترین عامل حفظ امنیت و اقتدار ملی، وحدت مردم و وفاداری آنان به منافع کل کشور است. اختلافات قومیتی، مذهبی یا جناحی، اگر از سوی افراد ناآگاه یا از سوی دشمنان خارجی تحریک شود، می‌تواند مهم‌ترین ارکان ثبات داخلی را متزلزل سازد. در مقابل، متحد ماندن ایرانیان با وجود تفاوت‌ها، اصلی‌ترین سد در برابر نفوذ بیگانگان و طراحی‌های تجزیه‌طلبانه است.

### بحران‌های داخلی و مخاطرات طبیعی

اما تهدیدهای ایران فقط از بیرون نمی‌آیند؛ در دل سرزمین نیز بحران‌هایی در حال شکل‌گیری است که اگر با نگاه جمعی و ملی مدیریت نشوند، می‌توانند چالش‌های بیرونی را تشدید کنند. بحران آب امروز یکی از جدی‌ترین مسائل ملی است. مناطق مرکزی و جنوبی کشور با کاهش شدید منابع زیرزمینی روبه‌رو شده‌اند؛ رودخانه‌های اصلی خشک یا کم‌جریان شده‌اند، کشاورزی سنتی با خطر نابودی مواجه است و شهرها با مشکل تأمین آب آشامیدنی پایدار روبه‌رو هستند.

این بحران تنها مسئله‌ای زیست‌محیطی نیست، بلکه پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی دارد. کمبود منابع آب می‌تواند سبب مهاجرت‌های گسترده داخلی، تغییر بافت جمعیتی شهرها، و در مواردی حتی ایجاد تنش‌های منطقه‌ای شود. اگر مردم و دولت با درک مشترک، مصرف را اصلاح نکنند و مدیریت منابع براساس دانش و عدالت انجام نشود، بحران محیط زیست به بحرانی ملی تبدیل خواهد شد.

### مسئولیت مشترک مردم و دولت در عبور از بحران‌ها

در برابر چنین شرایطی، انسجام ملی تنها به معنای شعار «اتحاد» نیست، بلکه مفهومی پویا و عملی دارد. این اتحاد باید در عمل تجلی پیدا کند: در رفتار مردم نسبت به محیط زیست، در مشارکت داوطلبانه در طرح‌های صرفه‌جویی، در یاری‌رسانی به مناطق آسیب‌دیده، و در همکاری صادقانه با نهادهای مسئول. همان‌گونه که تجربه‌های تاریخی نشان داده، هرگاه ملت ایران در لحظات بحرانی در کنار یکدیگر ایستاده‌اند، چه در دوران جنگ، چه در زلزله و سیل، و چه در تلاطم‌های اقتصادی، توانسته‌اند سختی‌ها را پشت سر بگذارند.

اتحاد مردم در کنار هم نه‌تنها سبب تقویت هویت ملی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی را نیز افزایش می‌دهد. جامعه‌ای که روح همکاری و مسئولیت‌پذیری در آن زنده است، در برابر بحران‌های خارجی هم مقاوم‌تر عمل می‌کند، زیرا دشمنان در برابر ملتی متحد و هوشیار نمی‌توانند با تحریک‌های روانی یا رسانه‌ای موفق شوند.

### نگاه ملی به توسعه‌ی پایدار

عبور از بحران‌های طبیعی و زیست‌محیطی نیازمند نگاه ملی به توسعه پایدار است. این یعنی؛ هر شهروند خود را بخشی از راه‌حل بداند. فرهنگ صرفه‌جویی در منابع، حمایت از کشاورزی هوشمند، بازچرخانی آب، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و حفظ جنگل‌ها و مراتع، باید از سطح شعار به برنامه‌ی عملی در مدارس، رسانه‌ها و زندگی روزمره تبدیل شود. دولت نیز وظیفه دارد سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را بر اساس حفاظت از منابع حیاتی و مشارکت مردمی تنظیم کند.

### اتحاد؛ ستون فقرات بقا و پیشرفت ایران

امروز بیش از هر زمان دیگر، ایران به اتحاد ملی نیاز دارد؛ اتحادی آگاهانه، هدفمند و فارغ از گرایش‌های سیاسی، قومی یا زبانی. تاریخ ایران نشان داده است که هرگاه ملت در برابر بحران‌ها متحد بوده، کشور نه‌تنها از خطر عبور کرده بلکه نیرومندتر شده است. بنابراین، چاره‌ی کار در برابر تهدیدات پیرامونی و بحران‌های داخلی، نه تفرقه، بلکه همدلی، گفت‌وگو و همراهی میان مردم و مسئولان است.

ایران خانه مشترک همه ایرانیان است. حفظ آن، وظیفه فردی و جمعی ماست. هر قطره آب که صرفه‌جویی می‌کنیم، هر اختلافی که با گفت‌وگو حل می‌شود، و هر همکاری ملی در مواجهه با بحران‌ها، گامی بزرگ در جهت بقای وطن و آینده‌ی فرزندانمان است.

## سیاست – اقتصاد

طرح نو؛ سردبیر

سردبیر: ایران تاریخی همواره مادری بوده که به دلیل فراز و نشیب‌های زمانه و تحولات ژئوپلیتیکی، بخش‌هایی از سرزمین خود را از دست داده است. این امر در مورد منطقه قفقاز و به‌ویژه سرزمینی که اکنون با نام جمهوری آذربایجان شناخته می‌شود، مصداق بارزی دارد. با وجود جدایی‌های سیاسی و تلاش‌های جاری برای بازتعریف هویت‌های فرهنگی، ریشه‌های مشترک تمدنی و زبانی همچنان پابرجاست. نظامی گنجوی، شاعر بزرگ حماسی و غنایی، یکی از درخشان‌ترین نمادهای این پیوند فرهنگی عمیق است. او هرچند در گنجه (بخشی از ایران تاریخی در قفقاز) زاده شد، اما سروده‌هایش وقف عشق و ارادت بی‌قید و شرط به ایران زمین است. این سند به تحلیل عمیق جایگاه ایران در اندیشه و شعر نظامی می‌پردازد تا نشان دهد که چگونه این شاعر بزرگ، ایران را نه صرفاً یک واحد سیاسی، بلکه قلب تپنده جهان هستی تعریف کرده است. این تحلیل نه تنها بر جنبه‌های زبانی و ادبی، بلکه بر بُعد متافیزیکی و اسطوره‌ای این تعلق خاطر تأکید خواهد کرد.

### نظامی گنجوی؛ فرزند برجسته‌ی ایران

نظامی گنجوی (الیاس بن یوسف) نه تنها به زبان فارسی شعر سرود، بلکه جهان‌بینی او عمیقاً ایرانی بود. او در دربارها و با میراث فکری ایران بزرگ رشد کرد و آثارش (پنج گنج: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، اسکندرنامه و مخزن‌الاسرار) تبلور ادبیات حماسی، عاشقانه و اخلاقی تمدن ایرانی است.

زبان شعر نظامی، فارسی دری خالص است که در آن غنای واژگانی و ساختارهای نحوی شعر کلاسیک فارسی به اوج خود می‌رسد. این انتخاب زبانی، خود گویای وفاداری او به جریان اصلی ادبیات فارسی است که از خراسان تا آناتولی امتداد داشت. نظامی در سنت شاعرانی چون فردوسی و رودکی قرار می‌گیرد و میراث‌دار ادبیات فارسی سده‌های میانه است.

نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

اینکه او را «گنجوی» می‌نامند، خود گویای جایگاهی است که در خزانه فرهنگ ایرانی دارد، نه صرفاً مکانی که در آن زیست. این نام‌گذاری نشان می‌دهد که میراث او به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند تلقی شده است که متعلق به تمامی

جوامع فارسی‌زبان و وارثان فرهنگ ایران است. آثار او سراسر ارجاعات اساطیری، تاریخی و فرهنگی ایران باستان و دوره اسلامی است. او مدام به داستان‌های شاهنامه، حکمت خسروانی، و آموزه‌های اخلاقی متأثر از سنت‌های ایرانی ارجاع می‌دهد، که این امر نشان‌دهنده هویت‌بخشی او به جهان ایرانی است.

نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

بخش قابل توجهی از شاهکار نظامی، یعنی «اسکندرنامه»، اگرچه ظاهری حماسی دارد، اما در باطن، روایتی است از عدالت‌گستری، حکمت عملی، و جهان‌بینی ایرانی. اسکندر در منظومه نظامی غالباً نمادی از حاکم ایده‌آل است که بر مبنای اصول اخلاقی و عرفانی ایرانی حکومت می‌کند. این رویکرد، نظامی را در ردیف شاعرانی قرار می‌دهد که هدفشان حفظ و ترویج ارزش‌های تمدنی ایرانی بوده است.

### تحلیل اییات؛ ایران، دل عالم هستی

ایباتی که از نظامی نقل شده‌اند، کلید فهم نگاه او به ایران هستند. این ایبات صرفاً بیان جغرافیایی نیستند، بلکه تعریفی متافیزیکی از هویت سرزمینی ارائه می‌دهند. در اینجا، تحلیل عمیق این کلمات ارائه می‌شود:

همه عالم تنست و ایسران دل نیست
گوینده زین قیاس خجبل چون که ایسران دل زمین باشد
دل ز تن به بود یقین باشد
این بیت، نقطه اوج ارادت نظامی به ایران است و دارای ساختاری فلسفی–تمثیلی است:

عالم (جهان هستی) = تن (بدن فیزیکی)؛ جهان مادی به مثابه یک پیکر تعریف شده است.

ایران = دل (قلب و مرکز حیات)؛ ایران نه صرفاً بخشی از جهان، بلکه قلب تپنده، مرکز انرژی، و عامل اصلی حیات معنوی و فرهنگی آن بدن (عالم) است.

این قیاس، ارجحیت مطلق ایران را از دیدگاه شاعر نشان می‌دهد. در فلسفه یونانی و ایرانی، قلب مرکز شعور، عواطف و جوهر حیات است. با این تعریف، نظامی ایران را مرکزیت هستی می‌داند. این نه یک تعریف سیاسی، بلکه یکی به تعریف متافیزیکی از مرکزیت فرهنگی و تمدنی است.

نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

## بررسی جایگاه ایران در اشعار نظامی

# نظامی گنجوی؛ فرزند برجسته‌ی ایران



نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

خرابی میاور در ایران زمین تو را ملکی آسوده بی داغ و رنج
مکن ناسپاسی در آن مال و گنج

این بیت‌ها هشدارِ اخلاقی و سیاسی هستند که در بستر هویت ایرانی صادر شده‌اند.

نهی از فتنه و کینه؛ شاعر هشدار می‌دهد که نزاع‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها، قلب زمین (ایران) را مجروح می‌سازد. این هشدار به‌خصوص در مناطقی که در معرض تنش‌های داخلی یا خارجی بوده‌اند، اهمیت دوچندان می‌یابد.

تأکید بر میراث؛ عبارت «ملکی آسوده بی داغ و رنج» اشاره به دوره‌های شکوه و آرامشی دارد که ایران (از دیدگاه نظامی) تجربه کرده است. این آرامش، خود یک نعمت بزرگ است که باید با شکرگزاری حفظ شود.

نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

مال و گنج؛ این گنج، هم شامل ثروت مادی است و هم به میراث فرهنگی و ادبی اشاره دارد که نظامی خود در تلاش برای حفظ آن بود. ناسپاسی در قبال این میراث، خیانت به هویت سرزمینی است.

نظامی در آثار خود، به‌ویژه در بخش‌هایی از هفت پیکر و اسکندرنامه، به اساطیر پیش از اسلام رجوع می‌کند.

بازگشت به کیومرث و کیکاوید؛ اشاره به تاج‌گذاری اصطخر (مرکز آیین زرتشت و یکی از پانینخت‌های اساطیری) و بازگشت شکوه به ملک ایران پس از کیومرث و کیکاوید، نشان‌دهنده پیوند نظامی با شاهنامه و اساطیر ملی ایران است. نظامی، مشروعیت و قدمت جایگاه ایران را نه در مرزهای سیاسی زمانه‌اش، بلکه در عمق تاریخ اساطیری ایران می‌بیند. او خود را ادامه‌دهنده خط سیر تاریخی‌ای می‌داند که با اولین پادشاهان آغاز شده است. این پیوند نشان می‌دهد که هویت مورد نظر نظامی، هویتی عمیق‌تر از جغرافیای سیاسی روز بوده است.

### دلالت‌های فرهنگی و فرهنگی امروز

نظامی گنجوی، هرچند در یکی از مناطقی زاده شد که امروزه مدعی استقلال هویتی (از میراث فرهنگی گسترده‌تر فارسی) است، اما قلب خود را در مرکزیت فرهنگی ایران قدیم یعنی «دل» زمین می‌دید. این موقعیت جغرافیایی، یعنی زیستن در حاشیه فرهنگی قدرتمند آن روزگار (آذربایجان کنونی)، باعث نشده است که او ارادت خود به تمامیت فرهنگی ایران را انکار کند.

وقتی نظامی، که خود در قفقاز می‌زیسته، این چنین از مرکزیت و قلب بودن ایران سخن می‌گوید، این به معنای یک تعلق خاطر عمیق فرهنگی است که مرزهای سیاسی آن دوران (و مرزهای امروزی) را درمی‌نوردد. اشعار نظامی، سند محکمی هستند بر اینکه میراث فرهنگی و ادبی ایران، فراتر از مرزهای تعیین‌شده در قرن بیستم، یک کل واحد بوده و هست. و تلاش برای مصادره این ریشه‌های مشترک، نادیده گرفتن یکی از بزرگ‌ترین اسناد هویتی آن سرزمین است. نظامی بخشی از میراث ادبی و فرهنگی مشترک است که توسط ایرانیان (از شرق تا غرب فلات ایران) تولید شده است. تلاش برای محصور کردن نظامی در چارچوبی قومی یا جغرافیایی محدود، نادیده گرفتن زبان شعر او و تمام ارجاعات تمدنی اوست.

بررسی ویژگی‌های زبانی شعر نظامی می‌تواند عمق این وابستگی را نشان دهد. اگرچه در برخی مناطق زبان‌های محلی وجود داشته، اما طبقه روشنفکر و درباری قفقاز برای بیان بالاترین مفاهیم ادبی و عرفانی به فارسی متوسل می‌شدند، که این خود نشان‌دهنده برتری و عمومیت زبان فارسی به عنوان زبان ادبیات و علم در آن

سه‌شنبه ۱۱ آذر ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۵۴

## بررسی جایگاه ایران در اشعار نظامی

# نظامی گنجوی؛ فرزند برجسته‌ی ایران



نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

تاریخی بزرگ، نشان می‌دهد که نظامی جهان را از فیلتر فرهنگ ایرانی می‌بیند و روایت‌های تاریخی را بر اساس ارزش‌های مورد قبول ایرانیان

نگاره‌ای از نظامی گنجوی، شاعر بزرگ ایرانی

بازنویسی می‌کند. در داستان دیگرش رابطه خسرو پرویز و شیرین، هرچند یک داستان عاشقانه است، اما پس‌زمینه‌اش کاملاً ایرانی است. خسرو شاه ساسانی، تجسم شکوه و عظمت ایران پیش از اسلام است. نظامی با محوریت بخشیدن به این داستان، دوباره میراث دوره ساسانی را در ادبیات فارسی احیا می‌کند و آن را به عنوان الگویی برای عشق و حکومت‌داری معرفی می‌کند.

نظامی مدام از نام مکان‌هایی استفاده می‌کند که مرزهای کنونی را دربرنمی‌گیرد؛ بلاد روم و چین؛ اغلب در داستان‌ها به عنوان سرزمین‌های دوردست و گاه متخاصم یا نیازمند هدایت نشان داده می‌شوند.

اصطخر و تخت جمشید؛ این مکان‌ها به عنوان نمادهای شکوه باستانی ایران زمین به کرات مورد اشاره قرار می‌گیرند.

حتی اگر گنجه در حاشیه این قلمرو قرار داشت، شاعر احساس می‌کرد که در مرکز فرهنگی میراثی است که شامل همه این سرزمین‌ها می‌شود.

### اهمیت زبانی در تثبیت مرزهای فرهنگی

زبان فارسی نه تنها ابزار انتقال پیام، بلکه خود حامل هویت فرهنگی است. نظامی با تسلط بی‌بدیل خود بر این زبان، به طور ناخودآگاه یا آگاهانه، این زبان را به عنوان عامل پیونددهنده جوامع قفقاز، فارس، و ماوراءالنهر تثبیت کرده است.

در دورانی که بسیاری از مناطق تحت سلطه اقوام مختلف قرار می‌گرفتند، زبان فارسی (به عنوان زبان دیوانی، علمی و ادبی) توانست یکپارچگی فرهنگی را حفظ کند. نظامی یکی از قدرتمندترین ابزارهای این یکپارچگی بود. اگر او به زبانی محلی شعر می‌سرود، تأثیر فرهنگی او به مراتب محدودتر می‌شد. انتخاب زبان فارسی، یک انتخاب استراتژیک فرهنگی برای پیوستن به میراث بزرگ ایران بود.

آثار نظامی، به همراه آثار سعدی و حافظ، سهم عظیمی در تثبیت و استانداردسازی زبان فارسی معیار در طول قرون بعدی داشتند. این امر تضمین می‌کند که هر فردی در فلات ایران و مناطق متصل به آن که به فارسی سخن می‌گوید، می‌تواند از حکمت و زیبایی کلام نظامی بهره ببرد، بدون توجه به مرزهای سیاسی که در طول تاریخ تغییر کرده‌اند.

### تداوم مادرخوانده

نظامی گنجوی از طریق اشعار خود، یک مادرخوانده فرهنگی را ترسیم می‌کند. این مادرخوانده، سرزمینی است که مرزهایش با مرزهای سیاسی همخوانی ندارد، بلکه با مرزهای تمدن، زبان، اساطیر و ادبیات ترسیم شده است. او سرزمین خود را «دل» عالم می‌داند، و این قلب تپنده، نیازمند محافظت از فتنه و ناسپاسی است. این پیام، امروز نیز در مواجهه با تلاش‌ها برای تفسیرهای محدود تاریخی و جغرافیایی، طنین‌انداز است. نظامی به ما یادآوری می‌کند که پیوندهای فرهنگی که قرن‌ها پیش ایجاد شده‌اند، قوی‌تر از مرزهایی هستند که تنها چند دهه پیش ترسیم شده‌اند.

اشعار نظامی گنجوی، میراثی است که متعلق به تمامی وارثان فرهنگی ایران زمین است؛ میراثی که بر اساس آن، ایران زمین همچنان «دل» است و بخش‌های مختلف فرهنگی، اعضای حیاتی این پیکر واحد هستند.

## حسین زاده - دوماگویی؛ خطر ۷۵ درصدی!



گل هایش در این فصل را به عدد ۵ برساند.

### دوم مشترک، پشت سر امیرحسین

دوماگویی در این فصل در بازی‌های زیادی گل زده ولی همین نمایش اندک، اسمش را خیلی زود در ردیف برترین‌ها قرار داده. او در لیگی که

طرح‌نو؛ گروه ورزش

در روز درخشش دوماگویی دروژدک، تراکتور از سد چادرملو گذشت.

انگار قرار است «بنیان دیزل» تبدیل به معبد خاطره‌ها برای دوماگویی دروژدک شود؛ مهاجم گلزن تراکتور که فصل پیش بهترین میانگین گلزنی نسبت به دقایق حضور در زمین را ثبت کرده بود، در این فصل خاموشی عجیبی را تجربه می‌کند؛ او در این فصل فقط در جریان ۲ بازی گل زده که روی کاغذ و پس از ۱۰ هفته‌ای که تراکتوری‌ها در لیگ برتر سپری کرده‌اند، عدد ناچیزی است؛ اما نکته اینجاست که در همین ۲ بازی به قدری دروازه رقیب را باز کرده که به راحتی در رتبه دوم مشترک برترین گلزنان این فصل لیگ برتر حضور دارد. عجیب است که در هر ۲ نمایش یک طرفه‌اش هم پای «بنیان دیزل» در میان است؛ برای اولین بار او در همین ورزشگاه توانست مقابل آلومینیوم آراک هت‌تریک کند و جای خودش میان بهترین‌های خط حمله را باز کند. پس از سپری شدن چندین هفته، این بار دوباره در بنیان دیزل، دروژدک مقابل چادرملو بریس کرد تا شمار

## رونمایی از برنامه‌ریزی جدید مسابقات جام حذفی؛ و سرانجام تراکتور - پرسپولیس!

طرح‌نو؛ گروه ورزش

سازمان لیگ برنامه دیدار معوقه مرحله یک‌شانزدهم نهایی و مسابقات مرحله یک‌هشتم نهایی جام حذفی را اعلام کرد.

به گزارش فوتبال ۳۶۰، مسابقات جام حذفی فوتبال ایران در فصل ۱۴۰۳-۰۴ و واپسین روزهای آبان‌ماه و روزهای ابتدایی آذرماه بود که وارد مرحله جدیدش شد و تیم‌های لیگ برتری رسماً وارد مسابقات شدند. قرار بود در همان مقطع، پرونده مرحله یک‌شانزدهم نهایی رقابت‌ها بسته شود که صعود تیم ملی به مرحله فینال تورنمنت ۴جانبه‌العین، برنامه‌ریزی مسابقات جام حذفی را تحت‌الشعاع قرار داد و نبرد تراکتور - پرسپولیس به دلیل اینکه هر کدام از تیم‌ها ۶ ملی‌پوش داشتند، به تعویق افتاد.

۱۵ دیدار دیگر مرحله به انجام رسیدند تا فقط تکلیف یک تیم در مرحله یک‌هشتم نهایی نامشخص باشد. در چنین شرایطی، مراسم قرعه‌کشی مرحله یک‌هشتم نهایی انجام شد تا مرحله جدید مسابقات قابل برنامه‌ریزی باشد. بعد از آنکه روز گذشته برنامه ۲ هفته پایانی نیم‌فصل نخست و ۲ هفته آغازین نیم‌فصل دوم اعلام شد، حالا مسئولان سازمان لیگ زمان دیدار معوقه مرحله یک‌شانزدهم نهایی جام حذفی را مشخص

## طلای پارالمپیک در دستان پدیده شبستری



طرح‌نو؛ گروه ورزش

در جهانی که ایستادن معیار توانستن است، او نخستین را به اوج رساند. میثم حاجی بابایی، نه تنها با معلولیت ننجکید، بلکه آن را به سکوی پرتابی برای پرواز بدل کرد. در میدان والیبال نشسته، جایی که اراده از عضله مهم‌تر است، او با هر ضربه، دیوارهای محدودیت را فرو ریخت.

به گزارش نصر، از شبستر تا پاریس، از تمرین‌های بی‌وقفه تا سکوی طلایی پارالمپیک ۲۰۲۴، میثم قصه‌ای نو نوشت، قصه‌ای از امید، از ایستادگی، از مردی که نشان داد برای قهرمان شدن، کافی است دل قوی باشد. تابستان گذشته، نام او بر بلندای افتخار نشست. «میثم حاجی بابایی» پدیده والیبال نشسته از شهرستان شبستر آذربایجان شرقی، همراه با تیم ملی ایران،

میهمان فولاد هرمزگان است که ورزشگاه محل انجام این بازی هم نامشخص است اما احتمالاً بازی در بندرعباس به انجام خواهد رسید. همچنین شنبه ۲۹ آذرماه هم ۵ مسابقه از دیدارهای مرحله یک‌هشتم نهایی پیگیری می‌شود و روز یکشنبه ۳۰ آذرماه هم نبرد سپاهان - خیبر به انجام برسد تا تکلیف ۷ تیم راه‌یافته به مرحله یک‌چهارم نهایی مشخص شود.

### ۲۲ دی، موعد پایان مرحله یک‌هشتم نهایی

تراکتور و پرسپولیس در حالی قرار است ۲۷ آذرماه در مرحله یک‌شانزدهم نهایی به مصاف هم بروند که براساس تصمیم سازمان لیگ، برنده این مسابقه بعد از پایان نیم‌فصل نخست مسابقات در مرحله یک‌هشتم نهایی را برگزار خواهد کرد؛ آن‌هم در شرایطی که شمس‌آذر قزوین باید به مصاف برنده تقابل تراکتور - پرسپولیس برود که براساس برنامه‌ریزی انجام شده، این مسابقه ۲۲ دی‌ماه برگزار خواهد شد. استقلالی‌ها هم البته نسبت به زمان تعریف‌شده برای انجام نبرد با فولاد هرمزگان معترض هستند و با توجه به دیدار پیش‌رو با المحرق بحرین، خواهان تعویق نبرد با فولاد هرمزگان شده‌اند که فعلاً مسئولان سازمان لیگ واکنشی به درخواست آن‌ها نداشته‌اند.

کردند و سپس برنامه مرحله یک‌هشتم نهایی هم تعیین تکلیف شد.

### تراکتور - پرسپولیس، ۲۷ آذر در ورزشگاه نامشخص!

تیم‌های تراکتور و پرسپولیس در آخرین دیدار باقی‌مانده از مرحله یک‌شانزدهم نهایی جام حذفی قرار است پنج‌شنبه ۲۷ آذرماه به مصاف هم بروند؛ در واقع دیدار ۲ تیم بین هفته‌های چهاردهم و پانزدهم لیگ برتر برگزار خواهد شد. این مسابقه در شرایطی از ساعت ۱۶:۱۵ قرار است آغاز شود که محل برگزاری آن نامشخص اعلام شده است؛ البته که بازی قطعاً در تبریز خواهد بود و ممنوعیت حضور تماشاگران هم بر داشته شده اما اینکه ورزشگاه بنیان‌دیزل از مسابقه ۲ تیم تراکتور - پرسپولیس میزبانی می‌کند یا بازی در ورزشگاه یادگار امام تبریز برگزار خواهد شد، هنوز قطعی نشده است.

### شروع مرحله یک‌هشتم نهایی از ۲۸ آذرماه!

مسئولان سازمان لیگ از فردای تقابل تراکتور - پرسپولیس، برنامه مسابقات مرحله یک‌هشتم نهایی را چپ‌نشین کرده‌اند که استقلال روز جمعه ۲۸ آذرماه

انجام داده؛ اما با یاسر آسانی تعداد بازی‌های برابری داشت که حالا یک بازی بیشتر از ستاره آلبانیایی استقلال انجام داده است. به این ترتیب، فعلاً رده دومی‌اش در جدول آقای گلی حفظ می‌شود مگر اینکه یاسر در بازی این هفته استقلال، بتواند گلی به فولاد بزند و به تنهایی رتبه دوم را به خود اختصاص دهد.

### خطر ۷۵ درصدی تراکتور!

همان‌طور که عنوان شد، دوماگویی با درخشش مقابل چادرملو، شمار گل‌های زده‌اش در این فصل را به عدد ۵ رساند. پیش از او، حسین‌زاده موفق شده بود برای تراکتور ۷ بار گلزنی کند. شمار گل‌های تراکتور در این ۱۰ هفته اما اتفاقات جالب‌تری در دل دارد؛ تراکتور تا به الان ۱۶ بار دروازه رقبای باز کرده که ۱۲ گلش را همین زوج خطرناک خط حمله وارد دروازه رقبای کرده‌اند. به عبارتی، زوج حسین‌زاده - دوماگویی در این فصل تا به الان روی ۷۵ درصد گل‌های زده تراکتور نقش داشته‌اند؛ عددی درشت و قابل تامل که نشان از تاثیر زیاد این ۲ بازیکن دارد.

### معوقه از مرحله یک‌شانزدهم نهایی جام حذفی فوتبال ایران

پنج‌شنبه ۲۷ آذرماه  
تراکتور تبریز - پرسپولیس تهران (ساعت ۱۶:۱۵)

### برنامه مرحله یک‌هشتم نهایی جام حذفی فوتبال ایران

جمعه ۲۸ آذرماه  
فولاد هرمزگان - استقلال تهران (ساعت ۱۵:۱۵)

شنبه ۲۹ آذرماه  
هوادار تهران - سایپا تهران (ساعت ۱۴:۳۰)

مس رفسنجان - گل‌گهر سیرجان (ساعت ۱۶:۱۵)  
نفت و گاز گچساران - پیکان تهران (ساعت ۱۶:۳۰)

ملوان بندرانزلی - مس شهرباک (ساعت ۱۶:۳۰)  
فولاد خوزستان - چادرملو اردکان (ساعت ۱۸:۳۰)

یکشنبه ۳۰ آذرماه  
سپاهان اصفهان - خیبر خرم‌آباد (ساعت ۱۶:۳۰)

دوشنبه ۲۲ دی‌ماه  
تراکتور/پرسپولیس - شمس‌آذر قزوین (نامشخص)

## رسوایی بزرگ در سیرجان! میزبانی که اعتبار لیگ را

### خدشه دار کرد

طرح‌نو؛ حمیدرضا سامبرانی

فاجعه‌ای خونین که در میزبانی آشوب‌زده گهرزمین سیرجان رخ داد، نه تنها امنیت لیگ را به طور کامل زیر سوال برده است، بلکه انگشت اتهام را مستقیماً به سمت بی‌کفایتی فدراسیون فوتبال نشانه رفته است.

به گزارش نصر، دیدار تیم های مس سونگون ورزقان و گهرزمین در سیرجان، شاهد یکی از سیاه‌ترین و شرم‌آورترین اتفاقات تاریخ خود بود؛ جایی که امنیت و سلامت بازیکنان به دست عناصر آشوبگر و میزبانی بی‌کفایت گهرزمین به گروگان گرفته شد. از هجوم سازمان‌یافته به زمین بازی و کنک‌کاری وحشیانه تا اوج فاجعه، یعنی استفاده از گاز اشک‌آور در فضای بسته رختکن که منجر به شستشوی ریه بازیکن ملی‌پوش مس سونگون شد. این دیگر یک درگیری ساده ورزشی نیست؛ این اعلام ورشکستگی مدیریت لیگ و اوج بی‌مسئولیتی فدراسیون فوتبال در تأمین حداقلی‌ترین استانداردهای یک رقابت رسمی است.

اما سؤال اساسی و حیاتی اینجاست: در دیدار گهرزمین سیرجان، چیزی به نام «تأمین امنیت» اساساً وجود خارجی نداشت! آنچه رخ داد، نتیجه مستقیم بی‌برنامگی فاجعه‌بار میزبان و سهل‌انگاری باورنکردنی ناظران و فدراسیون بود.

در حالی که بر اساس قوانین، میزبان موظف به جدا نگه داشتن هواداران، کنترل کامل ورودی‌ها و جلوگیری از هرگونه ورود مواد ممنوعه است، اما نه تنها اجازه داده شد هواداران تحریک‌شده سیرجانی به حریم ممنوعه زمین یورش ببرند، بلکه سیستم امنیتی سالن عملاً در برابر استفاده از گاز اشک‌آور در رختکن تیمی دیگر ساقط شد! این اتفاق نه تنها یک خطای مدیریتی، بلکه یک جنایت امنیتی در محیط ورزشی محسوب می‌شود.

فدراسیون فوتبال باید پاسخ دهد که چرا با وجود سوابق خشونت در برخی میزبانی‌ها، باز هم با چشمان بسته و نظارتی ضعیف اجازه برگزاری چنین دیداری را صادر می‌کند؟

باشگاه مس سونگون، با صدور اوتیام‌توم جدی، میزبانی گهرزمین را لکه‌نگی تاریک بر چهره لیگ برتر نامید و به صراحت اعلام کرد: زنگ خطر برای اعتبار لیگ و جایگاه فوتسال ایران به صدا درآمد. سلامت و امنیت بازیکنان، خط قرمز باشگاه مس سونگون است.

در این میان نکته ای که قابل توجه است سکوت هیات فوتبال استان آذربایجان شرقی است که وظیفه اصلی آن، حمایت قاطع و پیگیری جدی از حقوق تیم‌های خود در معالجه ملی است. با این حال متأسفانه شاهد یک سکوت معنادار و انفعال تأسفبار از سوی متولیان فوتبال آذربایجان شرقی هستیم. گویا توهمین آشکار به اعتبار ورزش آذربایجان شرقی برای این نهاد، اولویت ندارد!

با این حال باید منظر ماند و دید فدراسیون نشینان چه اقدامی مقابل این اتفاق خواهند داشت و اما آنچه مسلم است زمان مماشات گذشته است و فوتسال ایران نیازمند یک انقلاب انضباطی خواهد بود.

### تقیون اظهار داشت:

## مس سونگون و تیم های تبریزی

### فروشی نیست



طرح‌نو؛ گروه ورزش

محمدرضا تقیون، مدیر روابط عمومی هیات فوتبال آذربایجان شرقی، نسبت به شایعات منتشر شده درباره فروش امتیاز تیم فوتبال مس سونگون و حتی دیگر تیم های فوتبال استان اعم از تمامی رده های باشگاهی تبریز و استان واکنش نشان داد و تأکید کرد که چنین موضوعی صحت ندارد.

تقیون مرد پرتلاش و دوست داشتنی هیات فوتبال استان در پاسخ به درباره نگرانی‌ها از فروش سهمیه تیم فوتبال مس سونگون، اظهار داشت: بعضی از پایگاه خبری در مورد فروش سهمیه این تیم مطلبی کار کرده و دغدغه داشتند ولی همین جا اعلام می‌کنم همانطور که در کنار تراکتور هستیم، در کنار مس سونگون و دیگر

تیم های باشگاهی استان و تبریز قهرمان هم هستیم. وی تصریح کرد: اداره کل ورزش و جوانان استان به عنوان متولی ورزش و هیات فوتبال به عنوان متولی فوتبال، هیچ قصدی برای فروش یا خروج سهمیه تیم‌های استان نداشته و به هیچ وجه سهمیه آذربایجان شرقی از استان خارج نخواهد شد. این وعده را به تمام فوتبال‌دوستان آذربایجان می‌دهیم. مدیر روابط عمومی هیات فوتبال استان با اشاره به حل مشکل میزبانی تیم مس سونگون گفت: برای رفع مشکل میزبانی مس سونگون، ورزشگاه قویلد را با همکاری این باشگاه آماده کردیم تا این تیم بتواند مسابقات خود را در این ورزشگاه برگزار کند. وی در پایان از تلاش بی‌وقفه اصحاب رسانه و قلم در امر گفتاری و نوشتاری بابت موفقیت و پیشرفت ورزش به خصوص رشته پر طرفدار و مهیج فوتبال از تک به تک تمامی ورزشی نویسان استان قدردانی کرد

را در قالب مراکز شبانه‌روزی، تیم‌های توانبخشی در منزل، توانبخشی مبتنی بر خانواده، ساماندهی افراد مجهول‌الطهوهی مقیم مراکز شبانه‌روزی و همچنین خدمات توانبخشی اجتماعی شامل کمک‌هزینه مستمری و حق پرستاری ارائه می‌دهد.

فرگل صحاف با تأکید بر اهمیت تکریم شخصیت و جایگاه افراد دارای معلولیت، افزود: افزایش آگاهی و حساسیت عمومی نسبت به مسائل، حقوق و نیازهای این قشر، تقویت فرهنگ احترام، پذیرش و برابری فرصت‌ها در جامعه، معرفی توانمندی‌ها و دستاوردهای افراد دارای معلولیت، ایجاد زمینه اعتماد و مشارکت اجتماعی، مطالبه‌گری برای مناسب‌سازی محیط شهری و دسترس‌پذیری خدمات، تقدیر از فعالان، خانواده‌ها، سازمان‌ها و نهادهای حامی، و گسترش هم‌افزایی بین دستگاه‌ها از جمله اهداف راهبردی بهزیستی در این حوزه است.

وی با بیان اینکه آذربایجان شرقی با ۹۰ هزار و ۱۵ فرد دارای معلولیت، ششمین استان کشور از نظر تعداد معلولان تحت پوشش است، خاطر‌نشان کرد: ۹۶ مرکز روزانه با ۲۴۵۱ خدمت‌گیرنده و ۶۴ مرکز شبانه‌روزی با ۲۶۷۵ خدمت‌گیرنده فعال هستند. وی گفت: ۱۵ هزار و ۸۱۹ سالمند دارای پرونده حمایتی در بهزیستی استان ثبت شده‌اند. ۲۸۳ مورد مناسب‌سازی محیطی برای افراد دارای معلولیت انجام شده است.

به گزارش ایسنا، مراسم روز جهانی معلولان به همت بهزیستی استان در تالار وحدت دانشگاه تبریز با حضور جمعی از مسئولان استانی و شهروندان برگزار شد.

## قلبِ مادر



داد معشوقه به عاشق پیغام  
که کند مادر تو با من جنگ  
هر کجا ببندم از دور کند  
چهره پُرچین و جبین پر آژنگ  
با نگاه غضب‌آلود زند  
بر دل نازک من تیر خُذنگ  
از در خانه مرا طرد کند  
همچو سنگ از دهن قلماسنگ  
مادر سنگدلت تا زنده‌ست  
شهد در کام من و توست سَرنگ  
نشوم یکدل و یک‌رنگ تو را  
تا نسازی دل او از خون رنگ  
گر تو خواهی به وصالم برسی  
باید این ساعت بی‌خوف و درنگ  
رُوی و سینه تنگش بدری  
دل برون آری از آن سینه تنگ  
گرم و خونین به مَشش باز آری  
تا برد ز آینه قلبم رنگ  
عاشق بی‌خرد ناهنجار  
نه بل آن فاسق بی‌عصمت و ننگ  
حرمت مادری از یاد ببرد  
خبره از باده و دیوانه ز بنگ  
رفت و مادر را افکند به خاک  
سینه بزدید و دل آورد به چنگ  
قصید سرمنزَل معشوق نمود  
دل مادر به کفش چون نازنگ  
از قضا خورد دم در به زمین  
و اندکی سوخته شد او را آژنگ  
وان دل گرم که جان داشت هنوز  
اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ  
از زمین باز چو برخاست نمود  
پی برداشتن آن آهنگ  
دید کز آن دل آغشته به خون  
آید آهسته برون این آهنگ:  
«آه دست پسرم یافت خراش  
آخ پای پسرم خورد به سنگ»  
شاعر: «ایرج میرزا»

## جناس

گویمون اولدوزوسان  
آغزین دادی دوزوسان  
داغلاردا چوبان اوللام  
نه قدرسن قوزوسان  
\*\*\*\*\*

عاشیق اولدوم مین بیر گولون بیرینه  
هانسی مکتب دئییب گولون بیرینه  
هیچ بیر گولو بوداغیندان اوزمه رم  
میلیون لار وئر له گولون بیرینه

استاد نصیرپایه گذار

مدیرعامل بنیاد بین المللی امام رضا(ع) و دبیر بیست و دومین جشنواره امام رضا(ع):

# صبح از سمت خراسان تو بر می خیزد جشنواره بین المللی امام رضا(ع) و قرار دل های عاشق



آثار فرهنگی و هنری را به ساحت او تقدیم دارند. در این راستا جشنواره بین المللی امام رضا(ع) ۲۲ سال پیش توسط مدیری عاشق و ارادتمند از اهالی دیار کریمان بنیان نهاده شد که اکنون به درختی تنومند و استوار بدل گشته است. سالیانی که بر عمر این جشنواره رفته است با فراز و نشیب هایی همراه بود اما عشق و ارادت ساکنان ایران زمین به ساحت او هیچ گاه فرو نشسته و ایرانی ها و ارادتمندانش در سراسر عالم از هر روزنی برای ابراز ارادت به ساحتش بهره برده اند و در این میان جشنواره بین المللی امام رضا(ع) محملی شده تا این ارادت ها تجلی یابد. اکنون در طلیعه بیست و دومین دوره این جشنواره ما خدمتگزاران حضرتش در بنیاد بین المللی امام رضا(ع) دست اهالی فرهنگ و هنر این سرزمین را به گرمی می فشاریم و از همه ارادتمندان و عاشقان

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب  
مدیرعامل بنیاد بین المللی امام رضا (ع) و دبیر بیست و دومین جشنواره امام رضا (ع) در متنی با تاکید بر اینکه دست اهالی فرهنگ و هنر این سرزمین را به گرمی می فشاریم، از همه ارادتمندان و عاشقان خورشید هشتم در سراسر کشور و خارج از مرزهای ایران عزیز، برای حضور در این جشنواره و خلق اثر دعوت کرد.  
متن پیام و دعوت فرشیده فلاح مدیرعامل بنیاد بین المللی امام رضا (ع) به شرح زیر است:  
اکنون در طلیعه بیست و دومین دوره جشنواره امام رضا(ع) ما خدمتگزاران حضرتش در بنیاد بین المللی امام رضا(ع) دست اهالی فرهنگ و هنر این سرزمین را به گرمی می فشاریم و از همه ارادتمندان و عاشقان خورشید هشتم در سراسر کشور و خارج از مرزهای ایران عزیز برای حضور در این جشنواره و خلق اثر دعوت می کنیم.  
آستان ملکوتی حضرت رضا(ع) در طول تاریخ همواره مامن و پناهگاه دل های عاشق ما ایرانی ها بوده و به راستی ایران زیبایی ما از آن خورشید هشتم است.  
این عشق و ارادت، هنرمندان و اندیشمندان ما را در طول تاریخ بر آن داشته تا زیباترین و ماندگارترین

## تبریز؛ میزبان دومین جشنواره ملی فیلم و فیلمنامه ایشار



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب  
معاون فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران کشور، از برگزاری دومین جشنواره ملی فیلم و فیلمنامه ایشار در تبریز خبر داد و گفت این رویداد هنری گامی مهم در ترویج فرهنگ ایشار و شهادت و تحقق تفکر بسیجی است.  
یعقوب سلیمانی در جلسه شورای ترویج و فرهنگ ایشار و شهادت استان آذربایجان شرقی افزود: این جشنواره به همت معاونت فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران، با مشارکت استاندار آذربایجان شرقی و شهرداری تبریز از ۱۵ تا ۱۸ آذرماه در شهر تبریز برگزار می‌شود و هدف آن تقویت گفت‌وگو بین شهادت و زنده نگه داشتن یاد و نام آنان در میان نسل جوان است.  
وی اظهار امیدواری کرد: با همدلی و همکاری نهادهای مختلف استان شاهد رویدادی هنری باشیم که همه از آن بهره‌مند شوند و نقطه عطفی برای حرکت‌های فرهنگی آینده باشد.  
سلیمانی اعلام کرد: برگزاری این جشنواره از سال گذشته برنامه‌ریزی شده و هماهنگی‌های گسترده‌ای صورت گرفته است تا شاهد آثار فاخر و بستر مناسبی برای توسعه فرهنگ ایشار و شهادت باشیم.  
لزوم انتقال فرهنگ ایشار و شهادت به نسل جوان از طریق تولید آثار هنری  
استاندار آذربایجان شرقی هم بر لزوم انتقال فرهنگ ایشار و شهادت به نسل جوان از طریق تولید آثار هنری متناسب با ذائقه آنان تأکید کرد.  
بهرام سرمست با بیان این‌که ترویج فرهنگ ایشار و شهادت از ضروریات پیشرفت در هر جامعه‌ای است، اظهار کرد: در جامعه‌ای که ایشار، فداکاری و از خودگذشتگی رواج داشته باشد، زمینه توسعه و تعالی فراهم می‌شود.  
وی با تجلیل از شهدا به‌عنوان افرادی که در اوج ایثارگری، جان خود را برای حفظ تمامیت ارضی کشور فدا کردند، افزود: پاسداشت این آرمان‌ها از مسئولیت‌های مهم همگان است.  
وی، هنر را یکی از راه‌های مؤثر در ترویج فرهنگ ایشار و شهادت دانست و تأکید کرد: باید با استفاده از ظرافت‌های هنری و فناوری‌های روز، آثار فرهنگی

خورشید هشتم در سراسر کشور و خارج از مرزهای ایران عزیز برای حضور در این جشنواره و خلق اثر دعوت می کنیم.  
فراخوان های ۳۲ برنامه جشنواره بیست و دوم منتشر و پذیرش آثار آغاز شده است.  
ما سخت چشم به راه آثار شما در بیست و دومین جشنواره بین المللی امام رضا(ع) هستیم.  
این نوشتار را با غزلی زیبا در ملح خورشید هشتم به پایان می رسانم.  
پلک خورشید به فرمان تو بر می خیزد  
صبح، از سمت خراسان تو بر می خیزد  
نور ، هر صبح می افتد به در خانه ی تو  
بعد از گوشه ی چشمان تو برمی خیزد  
می کند مست، ملائک را در حال سجود  
عطر سبزی که از ایوان تو بر می خیزد  
تا کسی زیر رواق تو دلش می گیرد  
ابر می پیچد و باران تو بر می خیزد  
با دل پاک کبوتر تو چه گفتی که هنوز  
بال وا کرده پر افشان تو بر می خیزد  
آخرین حلقه ی درهای جهانی مولا  
درد می آید و درمان تو بر می خیزد  
باز از مرو بیا ! تا که ببینی که چطور  
دل و دین باخته - ایران تو بر می خیزد

استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به ایثارگری‌های مردم استان در دوران دفاع مقدس و همچنین جنگ ۱۲ روزه، اظهار کرد: استان ما در طول جنگ ۱۲ روزه ۷۵ بار مورد تعرض مستقیم قرار گرفت و ۶۷ شهید، ۱۶۷ مجروح و جانباز تقدیم انقلاب اسلامی کرده است. همچنین در جنگ ۱۲ روزه، شاهد ایثارگری‌های بزرگی بودیم که باید مفاهیم به‌درستی به نسل جوان معرفی شود.  
سرمست با اشاره به شهادت ۲ دانش‌آموز به نام‌های طاه و علیسان در مقابل چشمان مادرشان در جنگ ۱۲ روزه، افزود: از چنین شهادت‌هایی می‌توان فیلم‌نامه‌های قدرتمندی باخلاقیت و نوآوری خلق کرد تا جنایات رژیم صهیونیستی به جهانیان نشان داده شود.  
وی با تقدیر از حضور مردمی در کنار نهادهای دولتی در دوران جنگ، گفت: از همان ابتدای جنگ، با تشکیل نهادهای مردمی و ستادهای بحران، شورای تأمین و ستاد تنظیم بازار، کوچک‌ترین خللی در تأمین کالاهای اساسی ایجاد نشد.  
در پایان این جلسه، از پوستر جشنواره ملی ایشار رونمایی و احکام اعضای ستاد اجرایی فیلم ایشار به آنان اعطا شد.  
دومین جشنواره ملی فیلم و فیلمنامه ایشار از ۱۵ تا ۱۸ آذرماه با حضور هنرمندان، مستندسازان و علاقه‌مندان به فرهنگ ایشار و شهادت در شهر تبریز برگزار خواهد شد.

## پنج استاد مراغه ای در بین محققان پر استناد یک درصد برتر جهان

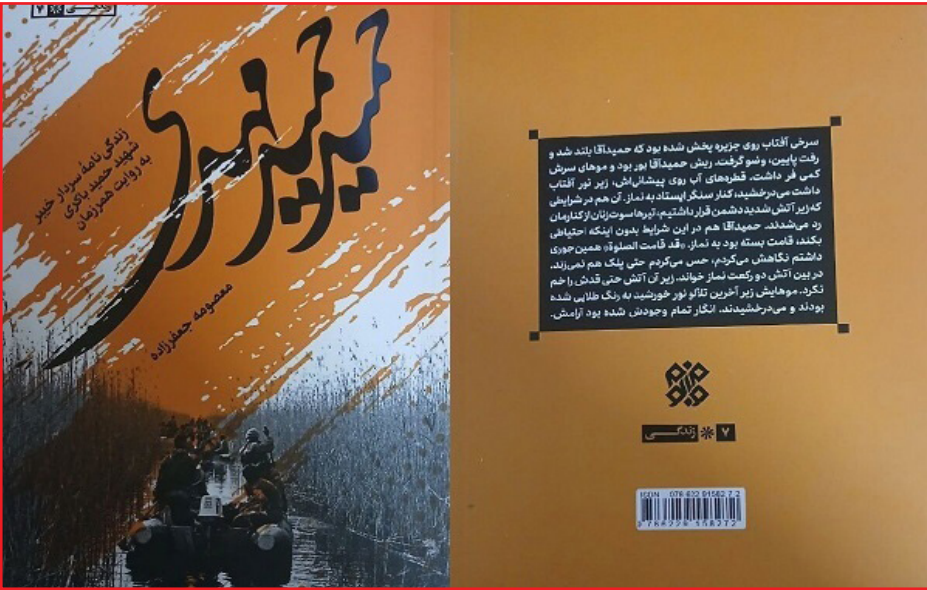
کشاورزی دانشگاه مراغه در فهرست پژوهشگران پر استناد یک درصد برتر جهان در سال ۲۰۲۵ قرار گرفت. به گفته وی هر سه محقق و عضو هیأت علمی دانشگاه مراغه در سال گذشته نیز جزء این فهرست بودند. در حوزه موضوعی پزشکی بالینی فهرست فوق نیز «دکتر ادیس حسن‌پور» استادیار مدیریت خدمات بهداشتی درمانی و رئیس مرکز تحقیقات مدیریت سلامت مبتنی بر شواهد دانشکده علوم پزشکی مراغه و دکتر «محمدتقی خدایاری» استادیار آمار زیستی این دانشکده در فهرست دانشمندان پر استناد یک درصد برتر جهان در سال ۲۰۲۵ قرار گرفتند.  
معیار اصلی برای گزینش این پژوهشگران، تعداد استادهای صورت گرفته به تولیدات علمی آنها است؛ براین اساس یک درصد از پژوهشگرانی که بیشترین استناد را در رشته‌های تخصصی خود دریافت کرده باشند، به عنوان «پژوهشگر پر استناد یک درصد برتر جهان» معرفی می‌شوند.  
دانشگاه مراغه با برخورداری از ۸۰ رشته تحصیلی، ۲۲ گروه آموزشی و چهار دانشکده شامل



مراغه و ۲ نفر از اعضای هیات علمی دانشکده علوم پزشکی این شهر دیده می‌شود.  
وی ادامه داد: «دکتر مهدی اسرافیلی»، استاد و «دکتر رضا اباذری» استادیار دانشگاه مراغه در حوزه موضوعی شیمی جز فهرست پژوهشگران ایرانی پر استناد یک درصد برتر جهان معرفی شدند.  
معروفی آذر اضافه کرد: در حوزه علوم کشاورزی نیز دکتر «محمدرضا مرشدلو» دانشیار دانشکده

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب  
موسسه استنادی علوم و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC)، اسامی پژوهشگران یک درصد پر استناد جهان در سال جاری را منتشر کرد که در میان یکهزار و ۱۲۲ نفر پژوهشگر ایرانی، پنج استاد دانشگاه های مراغه نیز در این فهرست معتبر بین‌المللی جای گرفته‌اند.  
رئیس دانشگاه مراغه با اعلام این خبر، با بیان اینکه این استادان همه از اعضای هیات علمی دانشگاه مراغه و علوم پزشکی این شهر هستند، افزود: قرار گرفتن آنها در فهرست پژوهشگران پر استناد یک درصد برتر جهان طی سال ۲۰۲۵ افتخاری بس بزرگ و مهم برای این شهر است.  
دکتر «رسول معروفی آذر» افزود: مؤسسه ISC آخرین فهرست پژوهشگران ایرانی پر استناد یک درصد برتر جهان در ۲۲ حوزه موضوعی علوم را بر اساس پایگاه شاخص‌های اساسی علم (ESI) در سال جاری استخراج و پایش کرده است که بر اساس آن اسامی سه نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه

## در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «حمید، حمید، مهدی» بررسی شد؛ فرهنگ بسیج در آینه زندگی «باکری‌ها»



طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر معصومه جعفرزاده که برای نگارش کتاب «حمید، حمید مهدی» پای صحبت‌های تعداد زیادی از هم‌زمان شهید حمید باکری نشست است، در تعریف فرهنگ بسیجی می‌گوید: بنابر آنچه در آئینه زندگی امثال شهید باکری‌ها دیدم، مؤلفه‌های تفکر بسیجی برای من ایمان، خودباوری، جهاد و مسئولیت‌پذیری است.

وقتی از «فرهنگ بسیج» حرف می‌زنیم، از یک واژه خشک و اداری صحبت نمی‌کنیم؛ از نسلی صحبت می‌کنیم که باورش را بر دوش می‌کشید و جانش را در مشت می‌گرفت. نسلی که مثل خانواده باکری، نه فقط در شعار، که در عمل ثابت کرد ایستادن یعنی چه. خانواده‌ای که سه پسرش علی، حمید و مهدی هر سه، راه جهاد را رفتند، هر سه آسمانی شدند و هیچ‌کدام حتی فرصت یک خداحافظی زمینی با خانواده‌شان پیدا نکردند. پشت در این خانه همیشه چراغی روشن بود، اما هیچ‌گاه پیکری برنگشت.

در میان این برادران، حمید باکری روایتی دیگری داشت؛ جوانی که کودکی‌اش در ارومیه گذشت و نوجوانی‌اش با دلنگی مادر و سختی‌های زندگی شکل گرفت. بعدتر به‌جای آرام گرفتن در دانشگاه، پا در تبریز، ترکیه، لبنان و آلمان گذاشت؛ برای آموختن راه مبارزه. او از همان سال‌ها فهمیده بود که «جهاد» فقط میدان نبرد نیست، بلکه سبک زیستن است.

وقتی انقلاب پیروز شد و بعدتر آتش جنگ شعله کشید، حمید دوباره ایستاد؛ این‌بار نه به‌عنوان جوانی جست‌وجوگر، به‌عنوان مردی که راهش را پیدا کرده بود. در سپاه، در جهاد سازندگی و سرانجام در خط مقدم لشکر عاشورا، آن روحیه آرام اما آتشی او، همان چیزی بود که هم‌زمان با آن با عنوان «بسیجی واقعی» یاد می‌کنند، کسی که بی‌صدا می‌آمد و می‌جنگید.

در فرهنگ بسیج، اصل این نیست که چه می‌گویید؛ اصل این است که وقتی نوبت عمل رسید، چه می‌کنی. حمید باکری در تمام مسیر زندگی‌اش همین را ثابت کرد. او از آن جنس آدم‌هایی بود که حضورشان بی‌صدا بود، اما نبودشان تا عمق جبهه احساس می‌شد. فرمانده‌ای که هنوز بچه‌ها وقتی از او حرف می‌زنند، صدا می‌لرزد و چشم خیس می‌شود.

امروز، وقتی دوباره به مسیر زندگی او نگاه می‌کنیم از آموزش‌های چریکی در سوریه و لبنان تا فرماندهی گردان‌ها و نهایتاً برکنشدنش در جزایر مجنون، شاید بهتر می‌شود معنای «فرهنگ بسیجی» را فهمید. فرهنگی که از جنس ایمان، شجاعت، مردم‌داری و مسئولیت‌پذیری است؛ فرهنگی که حمید باکری یکی از زلال‌ترین آئینه‌هایش بود.

برای اینکه از نزدیک با فرهنگ بسیجی باکری‌ها آشنا شویم و ردّ این روحیه را در زندگی حمید و مهدی و حتی ریشه‌های خانوادگی‌شان دنبال کنیم، این‌بار پای صحبت معصومه جعفرزاده، نویسنده کتاب «حمید، حمید مهدی» نشستیم؛ کسی که با هم‌زمان حمید باکری گفت‌وگو کرده و روایت زندگی آن‌ها را از دل خاطرات، اسناد و تجربه‌های میدانی بیرون کشیده است.

**اجازه دهید مصاحبه را از اصل موضوع شروع کنیم. چه شد که سراغ نوشتن روایت زندگی شهید حمید باکری رفتید؟ چه چیزی شما را به این مسیر سوق داد؟**

دلایل زیادی دست به دست هم دادند. پیش از این، چند کتاب درباره وی منتشر شده بود، مثل «به مجنون گفتم زنده بمان» و «نیمه پنهان ماه» که عمدتاً روایت همسر شهید مهدی باکری و اطرافیان را ارائه می‌کردند؛

اما ما هنوز روایت جامع و کاملی درباره شهید حمید باکری نداشتیم. بخش‌هایی از زندگی همچنان در هاله‌ای از ابهام بود و مدت‌ها خودمان نمی‌دانستیم که بین این دوران و آن دوران زندگی او چه اتفاقاتی افتاده است، چه کارهایی انجام داده و مسیر زندگی‌اش چگونه شکل گرفته است.

همچنین شخصیت وی بسیار متفاوت بود. میان لشکریان جایگاه ویژه‌ای داشت و مسیرهای دشواری را پشت سر گذاشته بود، به ویژه اوایل انقلاب در سال ۱۳۶۱ که دوباره به سپاه بازگشت. شجاعت، بصیرت و ویژگی‌های منحصربه‌فرد او باعث شد که احساس کنم این زندگی ارزش ثبت و روایت دارد.

**شما اشاره کردید شخصیت شهید حمید باکری متفاوت بود. کمی بیشتر توضیح دهید.**

حمید باکری واقعا فردی متمایز بود. شخصیتش ترکیبی از شجاعت، تعهد و حساسیت نسبت به اطرافیان بود. برخی خاطرات و صحبت‌ها از وی برای من جالب بود، مثل توبه‌نامه‌ها و دغدغه‌های شخصی. دوست داشتم بدانم این فرد با چنین خاصه‌هایی، چگونه زندگی کرده و چه مسیری طی کرده است تا به سطحی از شجاعت و ایثار برسد که نهایتاً شهید شد.

نکته دیگر این بود که خانواده باکری، خود خانواده‌ای برجسته و متفاوت بودند. علی باکری در سال ۱۳۵۱ اعدام شد، مهدی باکری خود جزو مبارزان بود و سال ۵۴-۵۵ فعالیت داشت و حمید، که آخرین فرزند این خانواده بود. این پشتوانه خانوادگی، شکل‌دهنده شخصیت و مسیر زندگی حمید بود.

حمید باکری در ارومیه به دنیا آمد و اصالتاً ارومیه‌ای بود. مادرش را در ۱۸ ماهگی از دست داد و پدرش دوباره ازدواج کرد. او آخرین فرزند خانواده بود و زندگی خانوادگی‌اش از همان ابتدا پرچالش بود. این دوران و شکل‌گیری شخصیت او، برای من بسیار جذاب بود. بعد هم به دانشگاه تبریز رفت و رشته مهندسی مکانیک را خواند و فارغ‌التحصیل شد.

**برای نوشتن کتاب، شما با هم‌زمان شهید نیز گفت‌وگو کردید. اولین چیزی که در برخورد با آنها توجهتان را جلب کرد چه بود؟**

چشم‌هایشان پر می‌شد وقتی از حمید حرف می‌زدند. برای همه آنها محور اصلی، خود حمید بود؛ دیگر مسائل و جزئیات اهمیت چندانی نداشتند. نکته جالب این بود که بسیاری از اتفاقات زندگی او هنوز برای اطرافیان روشن نشده بود و با مرور آن، همه چیز واضح می‌شد.

ایشان نگفت «دیگر نمی‌روم» یا «این مسیر برای من بسته است». اتفاق همان سال دوباره برگشت و بعد از عملیات آزادسازی خرمشهر با همان شور و انگیزه به جبهه بازگشت. این نشان می‌دهد که روحیه بسیجی یعنی پایداری و ادامه مسیر حتی در سخت‌ترین شرایط.

تقریباً زمستان سال ۱۳۶۰، حمید باکری همراه با تعدادی از دوستانش که از بچه‌های جهاد سازندگی بودند، گرد هم آمدند. آنها از تبریز مجوز گرفتند و عازم منطقه شدند تا در کارهای ساخت و ساز و فعالیت‌های جهاد نقش فعال داشته باشند. بعد از این، در لشکر ۸ نجف اشرف مشغول فعالیت شدند.

حمید باکری فرمانده گردان امام رضاع) شد. گرچه نام این واحد گردان بود، اما از نظر توان رزمی، استعداد و تعداد نیرو، احمد کاظمی بعدها گفت که این گردان «واقعا یک تیپ کامل بود». احمد کاظمی می‌گفت که او حمید را به عنوان فرمانده گردان امام حسن(ع) انتخاب کرد و واقعا این گردان، قدرت و توان یک تیپ را داشت. این نشان می‌دهد که شهید باکری توانایی مدیریت و هدایت نیروهای بسیجی را با همان روحیه خدمت بی‌ادعا و جهادگرانه داشت.

**در روایت هم‌زمان، بسیجی بودن چگونه تعریف می‌شود؟**

بسیجی یعنی کاری را که بر دوش کسی است، بدون هیچ ادعایی و بدون منت انجام دادن. این دقیقاً همان روحیه‌ای است که حمید باکری داشت. او هیچگاه دنبال تقدیر و تشویق نبود، ولی هر کاری که لازم بود انجام دهد، بی‌تردید و بدون هیچ شک و تردیدی پیش قدم می‌شد. همین ویژگی بود که باعث شد او در ذهن هم‌زمانش همیشه یک نماد واقعی بسیجی و جهادگر باشد.

تفکر بسیجی یعنی ایمان راسخ، شجاعت، جهاد بی‌منت و مسئولیت‌پذیری محض و حمید باکری، با تمام وجود، تجسم این ارزش‌ها بود؛ انسانی که حتی وقتی همه چیز علیه او بود، مسیر خود را ادامه داد و هیچگاه از انجام وظیفه خود کوتاه نیامد.

**در روایت‌های هم‌زمان شهید باکری، بارها گفته شده که وی نه فقط یک فرمانده، بلکه «پدر» نیروهایش بود. این نگاه انسانی دقیقاً چه شکلی داشت؟**

یکی از زیباترین وجوه شخصیت شهید باکری همین نگاه پدرانه بود. او هیچ‌وقت خودش را بالاتر از نیروها نمی‌دید و همیشه می‌گفت: «ما پدر این بچه‌ها هستیم؛ اینجا هیچ‌کس نباید کم و کسری داشته باشد، نباید دل‌تنگ کسی شود».

در یکی از روایت‌ها، هم‌رزم شهید می‌گفت که برخی نیروهای تازه‌وارد ممکن بود اشتباه یا کندی در کارشان داشته باشند. وقتی یکی از بچه‌ها گلابه کرده بود که «فلانی چرا این کار را نمی‌کنی؟» حمید آقا آرام پاسخ داده بود: «این‌ها تازه پا شدند و از سر علاقه آمدند. وظیفه ماست با آنها مدارا کنیم و کمبودهایشان را جبران کنیم».

و واقعا هم همین‌طور عمل می‌کرد. او همیشه به نیروها فرصت می‌داد تا خودشان یاد بگیرند، رشد کنند و اعتماد به نفس پیدا کنند. اقتدار حمید باکری، اقتداری از جنس احترام و اعتماد بود، نه ترس و تحکم. هیچ‌وقت فرمان مستقیم نمی‌داد. برای مثال، وقتی می‌خواست کاری انجام شود، نمی‌گفت «برو انجام بده»، بلکه می‌گفت: «می‌تونی امشب بری فلانجا و کار لازم را انجام بدی؟» یعنی اختیار و اعتماد کامل به نیرو می‌داد، ولی همیشه هدایت‌شان می‌کرد. این سبک مدیریت، باعث شده بود نیروها با دل و جان پیرو او باشند و خودشان را در مسیر مأموریت و انجام وظیفه خود کوتاه نیامد.

مثلا زمانی که جریان تسویه ارومیه اتفاق افتاد، خود حمید اصلا در ارومیه نبود و در آبادان حضور داشت. این‌ها نکاتی است که نشان می‌دهد او چه مسیر پرچالشی را طی کرده است.

**در نهایت چه شد که تصمیم گرفتید پروپوزال نوشتن کتاب را به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ارائه کنید؟**

پس از مطالعه آثار باقی‌مانده و گفت‌وگو با هم‌زمان، تصمیم گرفتم مسیر جدی‌تری برای شناخت حمید باکری آغاز کنم. ارائه پروپوزال به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس قدم بعدی بود و خوشبختانه موافقت شد. این موافقت، راه را برای نگارش روایت جامع زندگی ایشان هموار کرد و اکنون می‌توانم بگویم که توانستیم تصویری کامل و ملموس از شخصیت، مسیر زندگی و ارزش‌های شهید حمید باکری ارائه دهیم.

**یکی از موضوعات مهم درباره شهید باکری و هم‌زمانش، فرهنگ بسیجی است. با توجه به صحبت‌هایی که با هم‌زمانشان داشتید، از نگاه شما فرهنگ بسیجی چه ویژگی‌هایی دارد؟**

فرهنگ بسیجی در نگاه من، روحیه خدمت بی‌ادعا و انجام کاری است که دیگران از انجام آن شانه خالی می‌کنند. بسیجی کاری را که روی زمین مانده، انجام می‌دهد، بدون هیچ خودنمایی، بدون چشمداشت و صرفاً برای انجام وظیفه. تفاوتی نمی‌کند این کار در جبهه باشد، در اقتصاد، در فرهنگ یا حتی در یک فعالیت اجتماعی کوچک؛ هر جا که کمبود وجود دارد و دیگران از انجامش عاجزند، بسیجی وارد می‌شود و مسئولیت را برعهده می‌گیرد.

شهید باکری دقیقاً چنین روحیه‌ای داشت. او همیشه پیشقدم بود، همیشه می‌رفت سراغ کاری که لازم بود انجام شود، ولی هیچگاه برای خودش ادعایی نداشت و هیچ وقت دنبال خودنمایی نبود. این رفتار هم از او یک فرمانده موفق ساخته بود و هم او را انسانی محبوب و قابل احترام در بین هم‌زمان و اطرافیان کرده بود.

**وقتی صحبت از بسیج و تفکر بسیجی می‌کنیم، چه مؤلفه‌هایی به ذهن شما می‌آید؟**

مهم‌ترین مؤلفه‌های تفکر بسیجی برای من ایمان، خودباوری، جهاد و مسئولیت‌پذیری است. جهادگر بودن، به نظر من، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های شهید باکری بود. حتی وقتی جریان تسویه سپاه و مسائل ارومیه پیش آمد و خیلی‌ها تصور می‌کردند که او کنار می‌کشد،

ذوب کنند. هیچ فاصله‌ای بین او و نیروها وجود نداشت. همان چیزی که بچه‌ها می‌خوردند، خودش هم می‌خورد. اگر سوپ رقیق بود، همه با هم می‌خوردند. تقسیم وظایف چادر فرماندهی هم دقیق و منظم بود، ولی همیشه به گونه‌ای که احترام و انسایت رعایت شود. حتی در آماده کردن غذا، خودش گاهی حضور داشت و در کنار اقتدار و فرماندهی، مهربانی و توجه به نیروها را نشان می‌داد. این یکی از ویژگی‌های برجسته او بود. یکی از روایان می‌گفت: «ما یک موتور داشتیم، بلد نبودیم با آن رانندگی کنیم و دائم خرابش می‌کردیم. حمید آقا آمد و گفت: این موتور حاصل کمک‌های مردم است، هدیه‌ای برای جبهه. حتی ندارید آن را خراب کنید. هر چیزی که به جبهه می‌رسد، مسئولیت ماست که درست استفاده شود. باید برگردید به خانه‌هایتان؛ این وسواس روی بیت‌المال، نه صرفاً مقرراتی بود که احترام به مردم و جانفشانی آنان را نشان می‌داد. او معتقد بود کوچک‌ترین وسیله‌ای که به جبهه می‌رسد، نماینده اعتماد مردم است و باید با تمام احترام از آن محافظت شود».

**پس می‌توان گفت ویژگی اصلی بسیجی بودن در شهید باکری، ترکیبی از جهاد، مسئولیت‌پذیری، فروتنی و نگاه انسانی بود؟**

دقیقاً! بسیجی یعنی ایمان راسخ، تلاش بدون منت، جهاد بی‌ادعا، مسئولیت‌پذیری و عشق به هم‌رزم و مردم. حمید باکری تجسم تمام این ویژگی‌ها بود؛ انسانی که در سخت‌ترین شرایط هم مسیر خود را ادامه داد، با نیروهایش همدل بود و هیچ وقت از انجام وظیفه کوتاه نیامد.

معنویت برای او یک شکل شعاری یا تزئینی نداشت. معنویت برای حمید باکری از دل اخلاص و ایمان راسخ می‌آمد. وقتی آدم کاری را برای خدا انجام دهد، وقتی نیتش خلص باشد، معنویت خودش به دنبال او می‌آید. معیارش رضایت خلق نبود؛ معیارش رضایت خدا بود.

به‌طور مثال، تمام تلاش‌هایش در جبهه و پشتیبانی، در فرماندهی گردان، حتی در سخت‌ترین شرایط، با یک انگیزه بود: «کاری کنم که خدا خوشنود باشد». برایش جایگاه و درجه اهمیت نداشت. حتی وقتی پیشنهاد فرماندهی یک لشکر دیگر را به او می‌دهند، به سادگی می‌گوید: «نه، من کنار آقا مهدی می‌مانم». این یعنی وفاداری، اخلاص، و انتخاب راه خدا به جای منافع شخصی.

بسیجی در دوران دفاع مقدس در میدان عمل خودش را نشان می‌داد، نه در شعار یا کاغذ و برنام. آن‌ها وسط میدان خطر بودند؛ در خط مقدم یعنی جایی که نه راه عقب‌نشینی بود، نه راه پیش. باید همان‌جا می‌ماندی و می‌جنگیدی. نیروهای پشتیبانی، که بچه‌ها به شوخی می‌گفتند «دببایی‌پوش‌ها»، معمولاً سالی یک‌بار زیر بمباران می‌رفتند و حتی اگر خطر هم بود، شدت آن قابل مقایسه با خط مقدم نبود. اما کسی که در خط مقدم بود، هر لحظه در معرض خطر واقعی بود.

همه ما می‌توانیم در حرف بگوییم: «من آمادم، من پای کارم». اما وقتی پای عمل می‌رسد، وقتی جانت را وسط می‌گذاری، چند نفر واقعا می‌توانند ثابت قدم بمانند؟ خیلی‌ها کنار می‌روند، چراغ خاموش عقب می‌کشند، سنگر را خالی می‌کنند. اما شهید باکری و هم‌زمانش هیچ وقت این کار را نکردند. آن‌ها باور قلبی‌شان را در عمل نشان می‌دادند؛ ایمان‌شان در سخت‌ترین شرایط عینی و ملموس بود. بسیج واقعی یعنی همین: ایمان عینی، پای کار بودن، جهاد بی‌منت، ایثار و اخلاص در عمل، حتی در اوج خطر. ایکن!

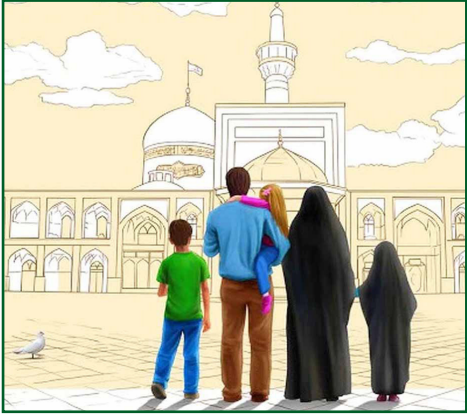
مفقودی	روزنامه طرح نو	مفقودی	روزنامه طرح نو	شناسه آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز پیکان مدل ۱۳۸۲ به شماره تنظیم ۱۳۰۵۱۳۰۳۵ شماره موتور ۶۹۵۱۳۰۲۶ و شماره شاسی ۱۱۵۸۲۸۰۲۶ و شماره شاسی ۸۲۴۷۰۷۰۰ بنام آقای یوسف جعفری عیش‌آباد مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره: ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۱۰۱۸۹۵۶ تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲	شماره: ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۱۰۱۸۹۵۶ تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲	شماره آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	شماره آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	شماره آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	شماره آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	شماره آگهی: ۲۰۶۳۰۷۵	روزنامه طرح نو

مفقودی	روزنامه طرح نو	مفقودی	روزنامه طرح نو	شناسه آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو

مفقودی	روزنامه طرح نو	مفقودی	روزنامه طرح نو	شناسه آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۳ به شماره تنظیم ۲۵-۱۹۹ ط ۷۶ شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۴۲۸۲۴ و شماره شاسی ۸۳۰۶۲۱۱۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	شماره آگهی: ۲۰۶۱۸۶۴	روزنامه طرح نو

## بایدها و نبایدهای تربیت دینی؛ از رزق حلال تا

### سلامت محیط اجتماعی



روح و روان خانواده را سالم نگاه می‌دارد. اصل مهم دیگر در تربیت دینی، پیوند دادن فرزندان با خدا از آغاز زندگی است. توصیه شده است که نوزاد با اذان و اقامه وارد جهان شود تا بداند مسیر زندگی‌اش بندگی خداست. چنانکه در آیه «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» بر پیمان نخستین انسان با پروردگار تأکید شده است، این پیوند باید در تمام مراحل رشد فرزندان استمرار یابد. خانه‌ای که در آن نماز، دعا، مناجات و زیارت جریان دارد، به فرزندان جهت معنوی می‌دهد. انسان‌ها بر منش و روش هم‌نشینان خود شکل می‌گیرند؛ وقتی پدر و مادر اهل بندگی باشند، فرزند در همان مسیر رشد می‌کند. دعا، بخشی تأثیرگذار از تربیت دینی است. دعا راه ارتباط انسان با آسمان است و در کوچک‌ترین امور روزمره نیز توصیه شده است. دعای والدین برای فرزندان اثر ویژه دارد و همچون دعای پیامبر برای امت دانسته شده است. نمونه‌های تاریخی نشان می‌دهد که دعای صادقانه والدین می‌تواند آینده علمی و معنوی فرزند را متحول کند. دعا همه مشکلات را به‌طور مستقیم حل نمی‌کند، اما مسیر حل بسیاری از مشکلات را باز می‌کند و فضای خانواده را به سمت آرامش و نورانیت می‌برد. در برابر این، بی‌توجهی به نماز و دعا اثر معکوس دارد؛ فرزند مشاهده می‌کند که پدر یا مادر به عبادت بی‌اعتناست و این امر مسیر تربیت معنوی او را دشوار می‌سازد. یکی دیگر از محورهای اساسی تربیت دینی، نقش محیط و دوستان است. محیط تأثیرش از وراثت بیشتر است؛ چنانکه در داستان پسر نوح، تربیت پیامبرانه در برابر محیط آلوده شکست خورد. بنابراین والدین باید بدانند فرزند با چه کسانی رفت‌وآمد می‌کند، همسایه‌ها چه کسانی‌اند و چه نوع محتوایی وارد خانه می‌شود. حتی اگر فرزندی موجب آسیب به فرزندان دیگر شود، والدین او نیز در برابر آن مسئول خواهند بود. نهادهای آموزشی نیز نقش کلیدی دارند. اگر مدیریت مدرسه یا دانشگاه برنامه‌ریزی دقیق نداشته باشد، تنها به

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر  
تربیت دینی یکی از حقوق اساسی فرزندان است؛ حتی که بر عهده والدین، جامعه و ساختار حاکمیتی گذاشته شده است تا نسلی پرورش یابد که مسیر بندگی خدا را طی کند. تحقق این هدف نیازمند توجه به مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست که از «رزق حلال» آغاز می‌شود و تا «سلامت محیط اجتماعی» ادامه می‌یابد.  
در متون دینی، روزی حلال حق واقعی فرزندان دانسته شده است. پاک‌ی لقمه یکی از پایه‌های تربیت‌پذیری است؛ زیرا لقمه ناپاک دل انسان را از پذیرش حق دور می‌کند. چه بسا اشتباهات کوچک در نظام قیمت‌گذاری یا بی‌توجهی به قاچاق، مال نامشروع را ناخواسته وارد سفره‌ها کند و این امر پیامد تربیتی دارد. نمونه‌های ساده مانند قیمت‌گذاری نادرست نان که امکان بازگرداندن مایه‌الغافور را برای نانوا دشوار می‌کند، یا رواج قاچاق سوخت، نشان می‌دهد که گاهی تصمیم بی‌عملی در سطح کلان، رزق ناپاک را در زندگی گروهی از مردم جاری می‌سازد و فرزندان بر سر سفره آن می‌نشینند. در فرهنگ دینی آمده است که لقمه حرام اثر سریعی دارد؛ مانند تأثیر کارد بر گوشت؛ همین آموزه در تحلیل تاریخی نیز دیده می‌شود؛ اینکه دل‌های دور شده را از دست در صحنه‌های حساس توان پذیرش حقیقت را از دست می‌دهند. بنابراین ضروری است که جامعه به ارزش «کم اما پاک» توجه دهد. رسانه‌ها، بیلبردهای شهری، نظام آموزشی و دانشگاهی باید این فرهنگ را تقویت کنند تا تقاضای سبک زندگی پرزرق‌وبرق و نامتناسب با واقعیت اقتصادی، خانواده‌ها را به سمت درآمدهای ناپاک سوق ندهد. جامعه همچون یک کشتی واحد است؛ رفتار هر فرد بر سرنوشت جمع اثر می‌گذارد و نمی‌توان ادعا کرد که مسئولیتی در قبال دیگران وجود ندارد. در برخی آیات نیز اشاره شده که ورود لقمه حرام باعث می‌شود شیطان در نسل انسان شریک شود؛ یعنی اثر منفی آن تنها فرد را درگیر نمی‌کند، بلکه بر تداوم نسل نیز سایه می‌اندازد. در مقابل، حتی اگر رزق اندک باشد، پاکی آن

### ضرورت ایجاد آگاهی سیاسی و تاریخی در خصوص

#### جنگها برای دانش آموزان

طرح نو؛ گروه گزارش  
رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری سطحی از آگاهی سیاسی در مدرسه، گفت: جنگ ۱۲ روزه علیه کشورمان رخدادی است که نسل نوجوان باید آن را درست بفهمد و آموزش‌وپرورش نمی‌تواند نسبت به این نیاز بی‌تفاوت باشد. نخستین نشست «نقض پیشرفت» از سلسله‌نشست‌های «روایت پیشرفت» با محوریت بررسی مجموعه‌کتاب «از ایران‌مان دفاع می‌کنیم» با حضور جمعی از مدیران فرهنگی، اعضای گروه مؤلفان و کارشناسان حوزه آموزش، فرهنگ و ارتباطات برگزار شد. در این نشست، علی لطیفی، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، با تشریح ضرورت تألیف مجموعه «از ایران‌مان دفاع می‌کنیم»، مهم‌ترین انگیزه شکل‌گیری این اثر را جنگ ۱۲ روزه اخیر علیه کشورمان عنوان کرد و گفت: سال‌ها تصور می‌کردیم ناآرامی و جنگ در کشورهای دیگر منطقه رخ می‌دهد و دانش‌آموزان ما درک مستقیم و روشنی از اسرائیل و ماهیت جنگ نداشتند؛ اما پس از جنگ ۱۲ روزه این نیاز آشکار شد که آموزش‌وپرورش باید فهم حداقلی از این رخداد را به نسل نوجوان منتقل کند. وی با اشاره به اینکه جنگ اخیر از جنس «جنگ ترکیبی» است و برای دانش‌آموزان قابل قیاس با تجربه جنگ تحمیلی نیست، افزود: تک‌تک دانش‌آموزان باید سطحی از آگاهی تاریخی و سیاسی درباره این جنگ و زمینه‌های آن داشته باشند و بسته‌های تربیت و یادگیری «از ایران‌مان دفاع می‌کنیم» دقیقاً برای پاسخ به این نیاز طراحی شده است. لطیفی این بسته‌های تربیت و یادگیری را یکی از گسترده‌ترین تولیدات محتوایی آموزش‌وپرورش در سال‌های اخیر خواند و اظهار کرد: این بسته‌ها از یک سو

## واژه‌های ترکی به‌کار رفته در شاهنامه



قومی ترک‌تبار بودند تعداد واژگان ترکی بیشتری وارد زبان ایرانی‌ها شد. چه بسا به واسطه تاریخ بیهقی که تنظیم شده‌ی این دوره بود تعدادی از واژگان وارد گفتار عمومی مردم شد؛ هرچند پیش از آن نیز در آثار شاعرانی چون ابوشکور بلخی واژه‌های ترکی دیده می‌شود، چنانکه وی در قرن چهارم هجری سرود: «تو سیمین بزی من جو زرین آياغ/ تو تابان مهي من چو سوزان چراغ» و آياغ در این بیت واژه‌ای ترکی در چم «پاله» می‌باشد. در سرتاسر شاهنامه دو بار به «زبان ترکی» اشاره شده است؛ نخست در آن‌جا که گیو دلیر در پی یافتن کی خسرو به توران می‌رود و در آن‌جا ترکی سخن می‌گوید، چنانکه فردوسی دانا آورده است: «زبان را به ترکی بیارستی/ ز کیخسرو از او نشان خواستی» و دومین بار زمانی است که چون اسکندر در گذار سفرهای خود به جای ناشناخته‌ای می‌رسد و زبان مردم آن را نمی‌داند؛ فردوسی دانا در این‌باره آورده است: «زبان‌شان نه تازی و نی خسروی/ نه ترکی نه چینی و نی پهلوی». هرچند در داستان دوازده رخ نیز اشاره شده است که تورانیان به ترکی سخن می‌گویند، چنانکه چون هومان پهلوان تورانی به نبرد با هم‌آورد ایرانی خود می‌آید مترجمی را با خود همراه می‌سازد تا سخن او را به ایرانی بازگو کند و بیژن دلاور ایرانی نیز مترجمی با خود همراه می‌سازد تا در این نبرد سخنانش به زبان ترکی ترجمه شوند.



طرح نو؛ محبوبه غلامی  
جهان در حیرت از فردوسی ماست همه‌جا صحبت از فردوسی ماست بهار و هرچه در وی هست ظاهر بُود از روح فردوسی مظاهر چمن را آب و گل از خانه‌ی اوست سرور بسلیلان شاهنامه‌ی اوست شهریار

خود گرفته) است. گفتنی است که این واژه در شاهنامه با معنای «می و شراب» به‌کار رفته؛ درحالی‌که تا دوره صفوی برای بکس ترکی همان عنای رب و شیر منظور بوده؛ بنابراین می‌توان چنین گمان داشت که بگماز خود ریشه‌ای فارسی دارد. این واژه ۵ بار در شاهنامه به‌کار رفته است. ۲- تاراج: این واژه برگرفته از ترکی Tara در چم پراکندن و در شکل تاراش می‌باشد که ۵۰ بار در شاهنامه به‌کار رفته است. ۳- تُرک: این واژه اورال‌آلتایی است که نخستین بار در کتیبه اورخون به‌صورت تورکو یا توروک به‌کار رفته و «ترک» وجه فارسی آن است. این واژه برای نخستین بار در داستان فریدون و بخش کردن جهان بین سه پسر به‌کار رفته است. این واژه ۱۲۹ بار به صورت منفرد و ۳۱۱ بار به‌شکل ترکیان در شاهنامه مورد استفاده قرار گرفته است. ۴- تکین: این واژه لغتی باستانی و ترکی برای شاهزاده‌های ترک می‌باشد که در سنگ نوشته اورخون هم وجود دارد اما پژوهش‌گران احتمال داده‌اند که دارای ریشه غیرترکی باشد. ۵- چالش: این واژه دارای دو معنای حرکت با کبر و ناز و نیز جنگ و نزاع می‌باشد. در معنای نخست از مصدر چَلیندن در سانسکریت **cala** و در معنای دوم ترکی از ریشه **cal** در معنای زدن است. این واژه یک بار در شاهنامه به‌کار رفته است. ۶- خاقان: این واژه لقب عام فرمانروایان ترک می‌باشد که

«شاهنامه فردوسی» بزرگ‌نام‌ی هویت‌ساز ما ایرانیان است که دربرگیرنده‌ی تاریخ ملی «ملت ایران» می‌باشد. نام‌وزنه فردوسی دربرگیرنده پانصد و پنجاه و پنج هزار واژه می‌باشد که از این میان یازده هزار و دو‌یست واژه متعلق به سروده‌های «دقیقی» شاعر است. در ابیات سروده شده فردوسی و واژگان به‌کار رفته در آن هفده هزار و صد واژه غیرتکراری می‌باشد. اکنون با توجه به این داشته‌ها باید توجه کرد و دانست که کدام واژگان به‌کار رفته در شاهنامه ریشه ترکی دارند.

نخست سزاور است بگویم که زبان ترکی از شاخه زبان‌های اورال‌آلتایی است که نخستین گونه باستانی و پیش‌ترکی آن مربوط به سده سوم پیش از میلاد می‌باشد. اما کهن‌ترین اثر آن سنگ‌نوشته‌ی اورخون مربوط به سال ۷۰۰ میلادی است. ترک‌ها از دوره ساسانی در شرق با ایران همسایه بوده‌اند، بنابراین ناگزیر تعدادی از واژگان آن‌ها به زبان‌های ایرانی وارد شد (چه‌این‌که بنابر اصل هم‌نشینی تمامی زبان‌ها از یکدیگر تأثیر خواهند پذیرفت). پس از اسلام و با ورود اولین ترکان به ایران که آن‌ها را «غز» می‌خواندند، واژه‌های ترکی بیشتری به زبان فارسی وارد شد. در روزگاری پسین‌تر با روی کار آمدن سلجوقیان و سپس تازش مغولان روند ورود واژه‌ها تا پایان دوره قاجاریه ادامه یافت. در این گذار و هم‌زمان با تسلط یافتن غزنویان بر ایران که از

- ۴- خاقانی (خاقانیان) ۵ بار.
- ۵- ترکی (در قالب یک صفت نسبی) ۴ بار.
- نام‌های خاص ترکی به‌کار رفته در شاهنامه هم ۳ تا می‌باشند:
- ۱- اینتش: اینم سه بار در شاهنامه به‌کار رفته و چون هر بار با نام‌های چین و خلیج و توران هم‌نشین بوده استاد خالق‌ی مطلق احتمال داده‌اند که آن نام جایی باشد: «نه ارجاسب مانم نه اینتش و چین/ نه گهرَم نه خُلُج نه توران زمین».
- اما از آنجا که در منابع تاریخی و جغرافیایی چنین نامی دیده نمی‌شود بنابراین پژوهش‌گران احتمال داده‌اند که ضبط صحیح آن به شکل «آباس» باشد که منطقه‌ای در سرزمین ارمن و شمال‌کوه‌های قفقاز است.
- ۲- چگل: نام یکی از شهرهای ترکستان است که در زبان مغولی در چم پرچشمه می‌باشد و احتمالاً خاستگاه اورال‌آلتایی دارد. این واژه سه بار در شاهنامه به‌کار رفته است.
- ۳- طرخان: این نام عربی شده ترخان است که اصالت پیش‌از ترکی دارد و آن لقب ارجمندترین فرمانروای هسیونگ‌توها بوده است. این نام نخست در جایگاه نام یکی از پلان ارجاسب تورانی سه بار تکرار شده و سپس‌تر در بخش تاریخی شاهنامه به‌عنوان لقب فرمانروایان سمرقند در عصر ساسانی دو بار تکرار شده است.
- برگرفته از مقاله واژگان ترکی به‌کار رفته در شاهنامه نوشته دکتر سجاد آیدنلو.
- ۳- ترک‌زاد دو بار.

## سازش ۵۴ درصد پرونده‌های ارجاعی به صلح یاران در آذربایجان غربی



طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی از سازش ۱۷ فقره پرونده قتل و سازش ۵۴ درصدی بیش از ۲۸ هزار پرونده ارجاعی به صلح یاران و هسته‌های بخشایش در هفت ماهه نخست سال جاری در استان خبر داد.

ناصر عتباتی، در همایش ستاد صبر استان که در سالن دادگستری استان برگزار شد، افزود: از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰ میزان سازش پرونده‌های قتل عمد ۷۳ مورد بود، اما از سال ۱۴۰۰ تاکنون با تقویت صلح یاران، هسته‌های جهادی بخشایش، شوراها حل اختلاف و استفاده از ظرفیت روحانیون، ریش سفیدان و متنفذین، ۱۸۹ پرونده قتل عمد منجر به صلح و سازش شده است.

رئیس کل دادگستری استان همچنین از آزادی ۹۲۱ زندانی در هفت ماهه سال جاری با جلب رضایت شاکیان خصوصی و کمک خیرین خبر داد و تصریح کرد: اعضای ستاد صبر، صلح یاران، هسته‌های جهادی بخشایش و شوراها حل اختلاف نقش مهمی در اصلاح ذات البین و تبیین فرهنگ صلح و سازش در جامعه دارند.

وی تأکید کرد که صلح و سازش ریشه در دین و تاریخ کشور دارد و یک امر خیر و عبادت محسوب می‌شود و همه باید در آن پیشقدم باشند.

### لرزم تقویت واحدهای مددکاری مراجع انتظامی

در این همایش، حسین مجیدی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان، نیز با اشاره به اهمیت مردمی کردن رسیدگی‌های قضایی گفت: تمامی اختلافات اجتماعی را نمی‌توان با نگاه صرف قضایی حل کرد، چرا که در این صورت جامعه دچار آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

وی از مراجع انتظامی خواست واحدهای مشاوره و مددکاری خود را در راستای افزایش صلح و سازش تقویت کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین قلی‌زاده، معاون قضایی رئیس کل دادگستری در مرکز حل اختلاف استان، نیز گزارشی از اقدامات تقویت فرهنگ صلح و سازش ارائه کرد و به هدایت پرونده‌ها به صلح یاران، اجرای تفاهم‌نامه‌ها با مراجع مختلف و نظارت هدفمند بر عملکرد آنها اشاره نمود.

در پایان این همایش، عتباتی با تقدیم لوح تقدیر از دو خانواده اولیای دم که از حق قصاص خود گذشته‌اند، دو وکیل مصلح و چهل صلح یار تجلیل کرد و احکام صلح یاران اتاق بازرگانی ارومیه به آنان تحویل داده شد.

## مدیرکل ثبت احوال استان خبر داد:

# کاهش ۹ درصدی تولد در آذربایجان غربی



طرح نو؛ گروه خبر  
مدیرکل ثبت احوال آذربایجان غربی از ادامه روند کاهش تولد در استان خبر داد و گفت: امسال تعداد تولدها نسبت به سال گذشته ۹ درصد کاهش یافته است. سعید احمدی افزود: در هشت ماهه امسال ۲۸ هزار و ۸۳۵ مورد تولد در استان به ثبت رسیده در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۳۱ هزار و ۶۵۵ نفر بود.

وی با بیان اینکه تعداد تولدها نسبت به سال گذشته ۲ هزار و ۸۲۰ مورد کاهش یافته است، ادامه داد: باید همگان برای تغییر این روند تلاش کنند.

مدیرکل ثبت احوال آذربایجان غربی یادآوری کرد: به طور متوسط هر ۱۲ دقیقه یک نوزاد در آذربایجان غربی متولد می‌شود.

وی همچنین از افزایش ۱۲.۵ درصدی فوتی‌ها نسبت به سال گذشته خبر داد و گفت: متأسفانه امسال

## امنیت غذایی؛ چالش بزرگ سلامت نسل امروز و فردا

پرورش، صدا و سیما و نهادهای آموزشی به مردم ارائه شود، زیرا هم کمبود و هم مصرف بیش از حد کالری می‌تواند برای سلامت مضر باشد.

### \*بازگشت به غذاهای سنتی تا چه اندازه در تأمین امنیت غذایی مؤثر است؟\*

غذاهای سنتی حاصل تجربه هزاران ساله بشر در انطباق با نیازهای تغذیه‌ای و شرایط محیطی هستند. این غذاها معمولاً از مواد طبیعی تهیه می‌شوند، فاقد افزودنی‌ها و مواد نگهدارنده‌اند و با ذائقه و شرایط اقلیمی مردم یک منطقه سازگاری بیشتری دارند. در مقایسه با غذاهای آماده و صنعتی که مملو از مواد افزودنی هستند، غذاهای سنتی ایمن‌تر و سالم‌تر بوده و می‌توانند نیازهای کالری و تغذیه‌ای مردم را به شکلی طبیعی‌تر تأمین کنند.

امنیت غذایی، فراتر از دسترسی به مواد غذایی، به معنای تضمین سلامت، کیفیت و استاندارد بودن غذاهاست. همان‌طور که در مصاحبه اشاره شد، تنها وجود غذا کافی در سفره مردم نمی‌تواند سلامت جامعه را تضمین کند، بلکه کیفیت و ایمنی غذایی نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از بیماری‌ها و تقویت سیستم ایمنی افراد دارد. کمبود یا مصرف مواد غذایی ناسالم می‌تواند گروه‌های حساس مانند زنان باردار، نوزادان، کودکان و سالمندان را به شدت آسیب‌پذیر کند و سلامت نسل حاضر و آینده را تهدید نماید. نظارت دقیق بر کل چرخه تولید، از مزرعه تا سفره، و رعایت استانداردهای بهداشتی از مهم‌ترین عوامل تضمین امنیت غذایی است. ورود مواد افزودنی، سموم، هورمون‌ها و سایر ترکیبات شیمیایی به چرخه تولید، اگر بدون کنترل باشد، می‌تواند زمینه‌ساز بیماری‌های مزمن و خطرناک باشد. از این رو، مسئولیت حاکمیتی وزارت بهداشت و نظارت مستمر، همراه با افزایش آگاهی غذایی شهروندان، یک ضرورت اساسی است.

بازگشت به غذاهای سنتی می‌تواند بخشی از راهکار تأمین امنیت غذایی باشد. غذاهای سنتی با بهره‌گیری از مواد طبیعی و سازگاری با شرایط اقلیمی و ذائقه مردم، نه تنها سالم‌تر و ایمن‌تر هستند، بلکه می‌توانند نیازهای تغذیه‌ای جامعه را به شکل طبیعی‌تر و متوازن‌تر برطرف کنند.

تقویت فرهنگ غذایی سالم و بازگشت به الگوهای سنتی، در کنار نظارت مستمر و آموزش عمومی، می‌تواند سلامت جامعه را تضمین کرده و خطرات سوءتغذیه و بیماری‌های ناشی از مواد غذایی ناسالم را کاهش دهد. / ایرنا



از آلودگی و بدون خطرات جسمی. درواقع، تنها داشتن غذای کافی، مطلوب نیست، غذایی که مصرف می‌کنیم باید سالم، استاندارد و بدون تهدید برای سلامت شهروندان باشد. در غیر این صورت حتی وجود آن در سفره مردم نیز می‌تواند آسیب‌زا باشد.

### \* نبود امنیت غذایی چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟\*

کمبود مواد غذایی و همچنین کیفیت پایین آنها، سلامت شهروندان را به طور جدی تهدید می‌کند. آسیب‌پذیری افراد در سنین مختلف متفاوت است، اما زنان باردار، جنین، نوزادان، کودکان و سالمندان از جمله گروه‌های بسیار حساس در برابر سوءتغذیه هستند. زنان باردار نیازمند مواد غذایی باکیفیت هستند تا نیازهای تغذیه‌ای خود و جنینشان تأمین شود، در غیر این صورت سلامت هر دو در دوران بارداری و هنگام زایمان با خطر مواجه خواهد شد.

نوزادان به طور غیرمستقیم از تغذیه مادر تأثیر می‌پذیرند و کیفیت شیر مادر وابسته به تغذیه صحیح اوست. کودکان و نوجوانان نیز برای رشد و بلوغ به کالری و مواد مغذی مناسب نیاز دارند، کمبود غذا می‌تواند سبب کوتاهی قد، ضعف ایمنی بدن و افزایش ابتلا به بیماری‌ها از جمله انواع بیماری‌های میکروبی و انگلی شود.

در سالمندان نیز به دلیل شرایط خاص جسمی و محدودیت قدرت خرید، سوءتغذیه می‌تواند سیستم ایمنی آنها را تضعیف کند. به طور کلی، بدن برای تولید آنتی‌بادی‌ها و مقابله با عفونت‌ها نیازمند دریافت متوازن چربی، کربوهیدرات و پروتئین است. بنابراین در هر سن و دوره‌ای، باید غذا با کیفیت و کمیت مطلوب به بدن برسد.

## رئیس اورژانس استان خبر داد:

# ثبت بیش از ۳۷ هزار تماس با سامانه ۱۱۵ اورژانس آذربایجان غربی

پایگاه‌های اورژانس استان انجام شده است. رئیس اورژانس آذربایجان غربی تعداد کل مددجویان خدمات‌دریافت‌کرده را در این مدت ۸ هزار و ۸۴۹ نفر عنوان کرد و افزود: از این تعداد افراد دچار حوادث ترافیکی دو هزار و ۵۶۳ نفر بود. رضازاده اضافه کرد: همچنین در این مدت دو هزار و ۲۸۶ نفر نیز دچار حوادث غیرترافیکی شده‌اند.

۵۰۰۰ مددجو به مراکز درمانی توسط اورژانس منتقل شدند  
رئیس اورژانس آذربایجان غربی با



بدون نیاز به اعزام آمبولانس بوده است. انجام ۱۰ هزار مأموریت اورژانسی در آذربایجان غربی طی آبان ماه رضازاده در خصوص عملیات اورژانسی در آبان ماه گفت: در این مدت ۱۰ هزار و ۳۲۵ مأموریت توسط

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اورژانس آذربایجان غربی گفت: در آبان ماه سال جاری ۳۷ هزار و ۸۵۶ تماس با سامانه ۱۱۵ استان ثبت شده است.

فریزن رضازاده در خصوص فعالیت‌های اورژانس استان در یک ماه گذشته افزود: از این تعداد یک هزار و ۲۵۸ تماس به ارائه مشاوره تلفنی منجر شده است.

وی با بیان اینکه از ۳۷ هزار تماس با اورژانس در آبان ماه دو هزار و ۸۶۲ تماس مربوط به مزاحمت‌های تلفنی است، ادامه داد: همچنین در این مدت ۹۳ تماس نیز غیر اورژانسی یا

## ۱۶ هزار فیلتر سیگار از گولر باغی جمع آوری شد

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه اعلام کرد: در آستانه روز جهانی خاک، بیش از ۱۶ هزار فیلتر سیگار از محوطه گولرباغی این شهرستان جمع‌آوری شد.

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه با اشاره به اینکه در یک پسماند بسیار خطرناک و قاتل خاموش زمین است، اضافه کرد: سموم موجود در فیلتر سیگار می‌تواند حتی نیاز آبی یک کلان شهر را هم برای همیشه از چرخه مصرف خارج کند.

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه با اشاره به مشارکت دستداران محیط زیست و اعضای انجمن مردمی «ناجیان طبیعت فردا» در این برنامه منسجم، گفت: شعار امسال روز جهانی خاک «خاک‌های سالم برای شهرهای سالم» است و این اقدام با هدف افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت حفاظت از خاک انجام شد.

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه اعلام کرد: در آستانه روز جهانی خاک، بیش از ۱۶ هزار فیلتر سیگار از محوطه گولرباغی این شهرستان جمع‌آوری شد.

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه با اشاره به مشارکت دستداران محیط زیست و اعضای انجمن مردمی «ناجیان طبیعت فردا» در این برنامه منسجم، گفت: شعار امسال روز جهانی خاک «خاک‌های سالم برای شهرهای سالم» است و این اقدام با هدف افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت حفاظت از خاک انجام شد.

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه با اشاره به مشارکت دستداران محیط زیست و اعضای انجمن مردمی «ناجیان طبیعت فردا» در این برنامه منسجم، گفت: شعار امسال روز جهانی خاک «خاک‌های سالم برای شهرهای سالم» است و این اقدام با هدف افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت حفاظت از خاک انجام شد.

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه با اشاره به مشارکت دستداران محیط زیست و اعضای انجمن مردمی «ناجیان طبیعت فردا» در این برنامه منسجم، گفت: شعار امسال روز جهانی خاک «خاک‌های سالم برای شهرهای سالم» است و این اقدام با هدف افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت حفاظت از خاک انجام شد.

طرح نو؛ گروه خبر  
رئیس اداره حفاظت محیط زیست ارومیه با اشاره به مشارکت دستداران محیط زیست و اعضای انجمن مردمی «ناجیان طبیعت فردا» در این برنامه منسجم، گفت: شعار امسال روز جهانی خاک «خاک‌های سالم برای شهرهای سالم» است و این اقدام با هدف افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت حفاظت از خاک انجام شد.

صاحب امتیاز: مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۲۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸

لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

# طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

**پرونده ویژه: تبریز پایتخت محیط زیست شهرهای آسیایی؛**

# تبریز در مسیر آینده؛ شهر سبز هوشمند،پیوند فناوری، طبیعت و شهروندان

طرح نویژهٔ آقا بیگی

بر اساس سلسله مقاله های تخصصی، نشریه شهریار به موضوع «تبریز در مسیر آینده: شهر سبز هوشمند؛ پیوند فناوری، طبیعت و شهروندان در راستای انتخاب تبریز به عنوان پایتخت محیط زیست شهرهای آسیایی در سال جاری میلادی با عنوان پرونده های ویژه شهر تبریز پرداخته است.

تبریز در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۵، به‌عنوان «پایتخت محیط زیست کشورهای آسیایی»، با عزمی راسخ قدم در مسیر تازه‌ای گذاشته است. این مسیر، نه یک انتخاب تصادفی، بلکه شاهراهی است که در آن داده، فناوری و مشارکت مردم سه ستون توسعه پایدار شهری به شمار می‌روند. انتخاب تبریز به عنوان پایتخت زیست‌محیطی آسیا در سال ۲۰۲۵، نه یک شانس، بلکه ثمره اقدامات جسورانه و برنامه‌ریزی‌شده چهار سال اخیر مدیریت شهری در راستای تحول زیرساخت‌ها و اصلاح حکمرانی محیط زیستی است. اقداماتی نظیر: فسخ قراردادهای ناکارآمد پسماند، بازسازی کارخانه بازیافت، توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز و احیای باغشهر تبریز، در این گزارش جامع و تحلیلی، با تکیه بر یافته‌های مقاله علمی «مدیریت هوشمند محیط‌زیست شهری با رویکرد داده‌محور»، به بررسی چگونگی شکل‌گیری الگوی «شهر سبز و هوشمند تبریز» می‌پردازیم؛ الگویی که می‌تواند نه‌تنها آینده مدیریت شهری تبریز، بلکه یک الگوی نوینی برای شهرهای آسیایی باشد که با چالش‌های مشابه محیط زیستی دست و پنجه نرم می‌کنند.

### ۱– فرصت طلایی: تبریز در کانون توجه محیط زیست آسیا

تبریز، این کهن‌شهر تاریخ و مهد تمدن آذربایجان، امروز با افتخار و با مسئولیتی جهانی، تاج پایتخت محیط زیست کشورهای آسیایی در سال ۲۰۲۵ را بر سر نهاده است. این انتخاب، که فراتر از یک عنوان تشریفاتی، حکم یک دعوت جهانی برای تغییر بنیادین و آغاز یک جهش سبز داده‌محور را دارد، به شکلی سرنوشت‌ساز با میزبانی نخستین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» در آذرماه پیوند خورده است.

این هم‌افزایی بی‌نظیر، یک سند چشم‌انداز علمی و اجرایی قاطع برای تحول زیست‌محیطی ارایه می‌دهد و مخاطب را به کشف جزئیات این نقشه راه تاریخی که تبریز را از یک شهر با چالش‌های قدیمی، به پلایه‌دار آینده سبز آسیا بدل خواهد کرد، وامی‌دارد.

**سند علمی تحول: نقشه‌راهی داده‌محور**
مدیریت شهری تبریز با برگزاری نخستین کنگره بین‌المللی زیست‌محیطی «شهر سبز، دانشگاه سبز» در آذر ماه ۱۴۰۴، خود را در آستانه یک تحول شگرف قرار داده است. در این راستا و با هدف تبدیل این رویداد به یک دستاورد پایدار، مدیریت شهری در حال ترسیم یک نقشه‌راه دقیق و داده‌محور است تا مدیریت هوشمند محیط‌زیست شهری با رویکرد داده‌محور را به عنوان الگویی عملی برای تحقق کامل «شهر سبز تبریز در افق ۱۴۱۰» قرار دهد. این برنامه، دیگر نه یک آرزوی خام، بلکه یک سند علمی-کاربردی است که با گره زدن احساس غرور ملی به دانش روز، رویاهای توسعه پایدار را به برنامه‌های اجرایی هدفمند تبدیل می‌کند.

صاحب‌نظران برجسته حوزه شهرسازی و توسعه پایدار، بر این باورند که عنوان «پایتختی محیط زیست» یک فرصت نقد و بی‌بدیل است. از نگاه آنان، کلید بهره‌برداری کامل از این فرصت، نه در اقدامات صرفاً فیزیکی یا ساخت‌وسازهای مرسوم، بلکه در استفاده هوشمندانه از داده‌ها برای بهینه‌سازی دقیق منابع محدود نهفته است. این دیدگاه، یعنی ضرورت «پرش فنی از مدیریت سنتی به حکمرانی داده‌محور» دقیقاً همان مسیری است که اساس راهبرد تحول شهر تبریز در سال ۲۰۲۵ را تشکیل می‌دهد و این رویکرد، گامی بلند برای اثبات این حقیقت است که تبریز شایسته این عنوان بین‌المللی بوده و قصد دارد آن را به یک واقعیت پایدار تبدیل سازد.

### رویکرد راهبردی مدیریت شهری تبریز: پرش فنی از مدیریت سنتی به حکمرانی داده‌محور

مدیریت شهری تبریز در سال‌های اخیر، با تکیه بر اسناد علمی و برنامه‌ریزی‌های استراتژیک، یک مسیر تحولی قطعی را برای تحقق «شهر سبز در افق ۱۴۱۰» آغاز کرده است. هسته اصلی این تحول، تجسم عملی همان پرش فنی از مدیریت سنتی به حکمرانی داده‌محور است.

اصول محوری این راهبرد بر اساس مدل سه‌گانه «فناوری، تحلیل داده و حکمرانی سبز» بنا شده است.

رویکرد مدیریت شهری بر این اساس، یک مدل هوشمند و داده‌محور را برای مدیریت تمام ابعاد محیط زیست شهری پیاده‌سازی می‌کند. این مدل جامع، که با روش‌های کاربردی و بر پایه داده‌های واقعی ایستگاه‌های پایش و مصاحبه با خبرگان تدوین شده، سیستم مدیریتی شهر را به سه سطح یکپارچه تقسیم می‌کند که مدیریت شهری در حال حاضر اجرای آن‌ها را در اولویت قرار داده است:

زیرساخت داده و فناوری (حسگرها و گوش‌های شهر):

توسعه شبکه حسگرها و سامانه‌های هوشمند شهری برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ (Real-time) که مدیریت شهری با راه‌اندازی اپلیکیشن‌های هوشمند پسماند و تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری، گام‌های اولیه آن را برداشته است.

تحلیل هوش مصنوعی (مغز متفکر پیش‌بینانه شهر): استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تبدیل داده‌های خام به دانش و پیش‌بینی به‌موقع بحران‌های زیست‌محیطی، به‌جای واکنش دیرهنگام.

حکمرانی و مشارکت شهروندان (روح اجتماعی شهر): تبدیل نتایج تحلیل‌ها به سیاست‌های شفاف و بستر مشارکت فعال و دیجیتال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها.

مدیریت شهری تبریز با اقدامات قاطعانه‌ای چون اصلاح قراردادهای مشارکتی در حوزه پسماند، توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز و راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند، عملاً گام‌های اولیه این پرش بزرگ را برداشته و این رویکرد داده‌محور را عملیاتی ساخته است. در نهایت، با بهره‌گیری از داشبورده محیط زیست هوشمند، این مدل نه تنها قابلیت جهشی در کاهش آلودگی، بهینه‌سازی منابع و ارتقای چشمگیر کیفیت زندگی را فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک الگوی بومی و موفق، سندی محکم برای اثبات شایستگی تبریز برای عنوان بین‌المللی پایتختی محیط زیست آسیا است.

توسعه شبکه حسگرها و سامانه‌های هوشمند شهری برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ (Real-time) که مدیریت شهری با راه‌اندازی اپلیکیشن‌های هوشمند پسماند و تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری، گام‌های اولیه آن را برداشته است.

تحلیل هوش مصنوعی (مغز متفکر پیش‌بینانه شهر): استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تبدیل داده‌های خام به دانش و پیش‌بینی به‌موقع بحران‌های زیست‌محیطی، به‌جای واکنش دیرهنگام.

حکمرانی و مشارکت شهروندان (روح اجتماعی شهر): تبدیل نتایج تحلیل‌ها به سیاست‌های شفاف و بستر مشارکت فعال و دیجیتال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها.

مدیریت شهری تبریز با اقدامات قاطعانه‌ای چون اصلاح قراردادهای مشارکتی در حوزه پسماند، توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز و راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند، عملاً گام‌های اولیه این پرش بزرگ را برداشته و این رویکرد داده‌محور را عملیاتی ساخته است. در نهایت، با بهره‌گیری از داشبورده محیط زیست هوشمند، این مدل نه تنها قابلیت جهشی در کاهش آلودگی، بهینه‌سازی منابع و ارتقای چشمگیر کیفیت زندگی را فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک الگوی بومی و موفق، سندی محکم برای اثبات شایستگی تبریز برای عنوان بین‌المللی پایتختی محیط زیست آسیا است.

توسعه شبکه حسگرها و سامانه‌های هوشمند شهری برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ (Real-time) که مدیریت شهری با راه‌اندازی اپلیکیشن‌های هوشمند پسماند و تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری، گام‌های اولیه آن را برداشته است.

تحلیل هوش مصنوعی (مغز متفکر پیش‌بینانه شهر): استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تبدیل داده‌های خام به دانش و پیش‌بینی به‌موقع بحران‌های زیست‌محیطی، به‌جای واکنش دیرهنگام.

حکمرانی و مشارکت شهروندان (روح اجتماعی شهر): تبدیل نتایج تحلیل‌ها به سیاست‌های شفاف و بستر مشارکت فعال و دیجیتال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها.

مدیریت شهری تبریز با اقدامات قاطعانه‌ای چون اصلاح قراردادهای مشارکتی در حوزه پسماند، توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز و راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند، عملاً گام‌های اولیه این پرش بزرگ را برداشته و این رویکرد داده‌محور را عملیاتی ساخته است. در نهایت، با بهره‌گیری از داشبورده محیط زیست هوشمند، این مدل نه تنها قابلیت جهشی در کاهش آلودگی، بهینه‌سازی منابع و ارتقای چشمگیر کیفیت زندگی را فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک الگوی بومی و موفق، سندی محکم برای اثبات شایستگی تبریز برای عنوان بین‌المللی پایتختی محیط زیست آسیا است.

توسعه شبکه حسگرها و سامانه‌های هوشمند شهری برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ (Real-time) که مدیریت شهری با راه‌اندازی اپلیکیشن‌های هوشمند پسماند و تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری، گام‌های اولیه آن را برداشته است.

تحلیل هوش مصنوعی (مغز متفکر پیش‌بینانه شهر): استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تبدیل داده‌های خام به دانش و پیش‌بینی به‌موقع بحران‌های زیست‌محیطی، به‌جای واکنش دیرهنگام.

حکمرانی و مشارکت شهروندان (روح اجتماعی شهر): تبدیل نتایج تحلیل‌ها به سیاست‌های شفاف و بستر مشارکت فعال و دیجیتال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها.

مدیریت شهری تبریز با اقدامات قاطعانه‌ای چون اصلاح قراردادهای مشارکتی در حوزه پسماند، توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز و راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند، عملاً گام‌های اولیه این پرش بزرگ را برداشته و این رویکرد داده‌محور را عملیاتی ساخته است. در نهایت، با بهره‌گیری از داشبورده محیط زیست هوشمند، این مدل نه تنها قابلیت جهشی در کاهش آلودگی، بهینه‌سازی منابع و ارتقای چشمگیر کیفیت زندگی را فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک الگوی بومی و موفق، سندی محکم برای اثبات شایستگی تبریز برای عنوان بین‌المللی پایتختی محیط زیست آسیا است.

توسعه شبکه حسگرها و سامانه‌های هوشمند شهری برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ (Real-time) که مدیریت شهری با راه‌اندازی اپلیکیشن‌های هوشمند پسماند و تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری، گام‌های اولیه آن را برداشته است.

تحلیل هوش مصنوعی (مغز متفکر پیش‌بینانه شهر): استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تبدیل داده‌های خام به دانش و پیش‌بینی به‌موقع بحران‌های زیست‌محیطی، به‌جای واکنش دیرهنگام.

حکمرانی و مشارکت شهروندان (روح اجتماعی شهر): تبدیل نتایج تحلیل‌ها به سیاست‌های شفاف و بستر مشارکت فعال و دیجیتال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها.

مدیریت شهری تبریز با اقدامات قاطعانه‌ای چون اصلاح قراردادهای مشارکتی در حوزه پسماند، توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز و راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند، عملاً گام‌های اولیه این پرش بزرگ را برداشته و این رویکرد داده‌محور را عملیاتی ساخته است. در نهایت، با بهره‌گیری از داشبورده محیط زیست هوشمند، این مدل نه تنها قابلیت جهشی در کاهش آلودگی، بهینه‌سازی منابع و ارتقای چشمگیر کیفیت زندگی را فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک الگوی بومی و موفق، سندی محکم برای اثبات شایستگی تبریز برای عنوان بین‌المللی پایتختی محیط زیست آسیا است.

توسعه شبکه حسگرها و سامانه‌های هوشمند شهری برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ (Real-time) که مدیریت شهری با راه‌اندازی اپلیکیشن‌های هوشمند پسماند و تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری، گام‌های اولیه آن را برداشته است.

تحلیل هوش مصنوعی (مغز متفکر پیش‌بینانه شهر): استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تبدیل داده‌های خام به دانش و پیش‌بینی به‌موقع بحران‌های زیست‌محیطی، به‌جای واکنش دیرهنگام.

حکمرانی و مشارکت شهروندان (روح اجتماعی شهر): تبدیل نتایج تحلیل‌ها به سیاست‌های شفاف و بستر مشارکت فعال و دیجیتال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها.

مدیریت شهری تبریز با اقدامات قاطعانه‌ای چون اصلاح قراردادهای مشارکتی در حوزه پسماند، توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز و راه‌اندازی سامانه‌های هوشمند، عملاً گام‌های اولیه این پرش بزرگ را برداشته و این رویکرد داده‌محور را عملیاتی ساخته است. در نهایت، با بهره‌گیری از داشبورده محیط زیست هوشمند، این مدل نه تنها قابلیت جهشی در کاهش آلودگی، بهینه‌سازی منابع و ارتقای چشمگیر کیفیت زندگی را فراهم می‌کند، بلکه به عنوان یک الگوی بومی و موفق، سندی محکم برای اثبات شایستگی تبریز برای عنوان بین‌المللی پایتختی محیط زیست آسیا است.

توسعه شبکه حسگرها و سامانه‌های هوشمند شهری برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ (Real-time) که مدیریت شهری با راه‌اندازی اپلیکیشن‌های هوشمند پسماند و تمرکز بر زیرساخت‌های فناوری، گام‌های اولیه آن را برداشته است.

تحلیل هوش مصنوعی (مغز متفکر پیش‌بینانه شهر): استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای تبدیل داده‌های خام به دانش و پیش‌بینی به‌موقع بحران‌های زیست‌محیطی، به‌جای واکنش دیرهنگام.

حکمرانی و مشارکت شهروندان (روح اجتماعی شهر): تبدیل نتایج تحلیل‌ها به سیاست‌های شفاف و بستر مشارکت فعال و دیجیتال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها.

مدیریت شهری تبریز، با درک و پذیرش کامل مدل‌های علمی، اقدامات موفق اخیر خود را نه یک پایان، بلکه آغازی برای اجرای یک نقشه‌راه جامع و سه‌بعدی می‌داند. تحلیل‌های صورت گرفته در مقاله اینجانب نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل برای تحقق پایدار «تبریز سبز»، پیوند هوشمندانه سه عامل اصلی و اجتناب‌ناپذیر است: فناوری (Technology)، تحلیل داده (Data Analytics) و حکمرانی سبز (Green Governance). این مدل، در حقیقت الگویی است که شهر را از یک سیستم واکنشی به یک موجودیت هوشمند و خودتنظیم‌گر



تبدیل می‌کند. مدیریت شهری در عمل، با برنامه‌ریزی‌های دقیق، در حال پیاده‌سازی گام به گام این مدل علمی سه‌سطحی است:

### ستون اول: زیرساخت داده و فناوری (حسگرها، گوش‌های شهر)

در این سطح، هدف ایجاد یک پایه محکم و فراگیر برای پایش لحظه‌ای (Real-time) محیط زیست است. این زیرساخت، شهر را به یک سیستم عصبی هوشمند تبدیل می‌کند که می‌تواند به سرعت اطلاعات را دریافت و ارسال نماید:

شبکه حسگرهای فراگیر (IoT): برنامه‌ریزی برای استقرار شبکه گسترده حسگرها برای جمع‌آوری داده‌های بلادرنگ از کیفیت هوا (به ویژه آلاینده‌های اصلی)، وضعیت ترافیک و مدیریت هوشمند زباله اکنون در حال اجراست. موفقیت در راه‌اندازی اپلیکیشن‌های پسماند خشک، شهادی قاطع بر توانایی شهرداری در استفاده از فناوری برای جمع‌آوری داده‌های محیط زیستی و تسهیل تعامل شهروندی است. این شبکه‌ها، نه صرفاً ابزار، بلکه چشمان دقیق و گوش‌های شنوای مدیریت شهری هستند.

انرژی‌های تجدیدپذیر و زیرساخت پاک: تأکید بر استفاده از فناوری‌های انرژی پاک و توسعه زیرساخت حمل‌ونقل عمومی پاک و برقی، یکی از محورهای سیاست‌های فعلی شهرداری برای کاهش ردیای کربن و ایجاد زیرساخت‌های سبز است. این اقدامات، زیرساخت فیزیکی شهر را با هویت سبز آن همسو می‌سازد.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

امام علی(ع) :

تلخی حق را تحمل کن، و مبادا که فریب

شیرینی باطل را بخوری

سه‌شنبه ۱۱ آذر ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۵۴

است.

مشارکت دیجیتال : (Citizen Engagement) موفقیت اپلیکیشن‌های پسماند خشک نشان داد که شهروندان تبریزی مشتاق استفاده از بسترهای دیجیتال برای عمل به عنوان «حسگرهای اجتماعی» هستند. توسعه این بسترها، مشارکت فعال مردم در جمع‌آوری داده و نظارت بر محیط زیست شهری را تضمین می‌کند و روح تبریز سبز را در کالبد شهر می‌دمد. این مشارکت هوشمند، ضامن بقا و تکامل مدل در برابر تغییرات احتمالی آتی است.

۴ – چشم‌انداز: از پایتخت آسیا تا الگوی جهانی

تحقق کامل مدل «شهر سبز هوشمند» که در تحلیل‌های این گزارش بدان پرداخته شده، دیگر صرفاً محدود به بهبود وضعیت داخلی تبریز نیست؛ بلکه نویدبخش یک جهش عمیق، پایدار و تمدن‌ساز در تمام شاخص‌های زیست‌محیطی و کیفیت زندگی است. این مدل، میراثی است که تبریز برای قرن جدید آماده می‌کند.

### دستاوردها: منافع مستقیم برای شهروندان و پایداری سیستم

پیاده‌سازی موفقیت‌آمیز سه ستون پایداری (فناوری، پایش داده، حکمرانی) که مدیریت شهری فعلی تبریز مسیر آن را آغاز کرده، منجر به دستاوردهای ملموسی خواهد شد که زندگی روزمره شهروندان را متحول می‌کند:

کاهش آلودگی و بهبود سلامت از طریق پیش‌بینی: استفاده از سامانه‌های هوشمند AI و IoT برای پایش لحظه‌ای آلاینده‌ها و مدیریت پیش‌بینانه ترافیک، به مدیران اجازه می‌دهد تا به طور اضطراری و موضعی، از عوامل آلاینده (مانند مازوت‌سوزی در نیروگاه‌ها یا تراکم شدید ترافیک) جلوگیری کنند. این رویکرد، که در شهرهایی نظیر سنگاپور موفقیت‌آمیز بوده، منجر به کاهش محسوس آلودگی هوا و در نتیجه، ارتقاء سلامت تنفسی شهروندان و کاهش هزینه‌های سلامت عمومی خواهد شد.

بهینه‌سازی منابع و افزایش تاب‌آوری: بهره‌گیری از هوش مصنوعی در شبکه‌های آب و انرژی، منجر به شناسایی سریع نشت‌ها و کاهش شدید هدررفت منابع می‌شود. این سیستم‌ها می‌توانند مصرف انرژی و آبرسانی را به صورت هوشمند و هدفمند تنظیم کنند و در برابر تهدید حیاتی ورشکستگی آبی در منطقه، پایداری شهر را افزایش دهند. این مدیریت هوشمند، کلید عبور از چالش‌های اقلیمی منطقه‌ای است.

افزایش سرانه فضای سبز با کیفیت: توسعه ۶۰۰ هکتاری فضای سبز شهری که با عزم مدیریت فعلی محقق شده، اکنون با داده‌های ماهواره‌ای و پهپادها برای نظارت بر سلامت پوشش گیاهی و مدیریت هوشمند آبیاری تلفیق می‌شود. این امر تضمین می‌کند که توسعه فضای سبز، صرفاً کمی نباشد، بلکه شاهد توسعه هدفمند، کیفی و پایدار فضای سبز شهری باشیم.

### وعده بزرگ: الگوی بومی برای آسیا؛ جهش سبز داده‌محور

فراتر از منافع داخلی، این گزارش و مدل علمی آن، یک وعده بزرگ و ملی را مطرح می‌کنند: مدل طراحی‌شده برای تبریز، یک «الگوی بومی و قابل تعمیم» است.

دکتر کارلوس موریرا، مشاور توسعه شهری در سازمان ملی، بر این نکته تأکید دارد: «آینده شهرهای هوشمند آسیا، در تقلید از دره سیلیکون نیست، بلکه در تطبیق هوشمندانه فناوری با چالش‌های بومی است؛ چالش‌هایی نظیر مدیریت آب در مناطق خشک.» مدل تبریز دقیقاً با در نظر گرفتن چالش‌های خاص شهرهای ایران (مانند مسئله حاد آب، آلودگی‌های محیطی و مدیریت پسماند) توسعه یافته و از این رو، قابلیت تبدیل شدن به یک برند علمی-اجرایی ایرانی و یک مرجع راهبردی در منطقه را داراست. در سال ۲۰۲۵، که چشمان‌اندازه شهرداران آسیایی و کشورهای منطقه به تبریز دوخته شده‌است، اولین کنگره بین‌المللی «شهر سبز، دانشگاه سبز» سکویی جهانی برای پرتاب این الگوی نوآورانه به سایر کلان‌شهرهای آسیا خواهد بود.

### لحظه تصمیم: تبریز، پلایه‌دار واقعی آسیا

تبریز، کهن‌شهر تاریخی و میراث‌ساز، با درایتی که در اصلاح قاطع مسیرهای گذشته (فسخ قراردادهای ناکارآمد) و تمرکز تحول‌آفرین بر توسعه زیرساخت هوشمند نشان داد، لحظه انتخاب بزرگ خود را با اقتدار پشت سر گذاشته است.

این کهن‌شهر دیگر در دوراهی تردیدآمیز «نماد بودن یا پلایه‌دار بودن» قرار ندارد؛ بلکه با حمایت قاطع مدیریت شهری، تزریق دانش دانشگاهی و عزم راسخ شهروندان، رسماً و عملاً در حال تبدیل شدن به پلایه‌دار واقعی شهر هوشمند و سبز در قاره آسیا است.

این نه صرفاً یک دستاورد داخلی، بلکه یک نمای امید حماسی و راهبردی برای هزاران شهر آسیایی است که درگیر بحران‌های زیست‌محیطی آب، آلودگی و مدیریت پسماند هستند. تبریز، با عرضه مدل بومی و علمی خود تحت عنوان «جهش سبز داده‌محور»، نقش تاریخی خود را این بار در قامت نجات‌بخش اکولوژیک ایفا می‌کند. این شهر، الگویی جهانی را بنا نهاده که اثبات می‌کند، فرهنگ غنی و تاریخ باستانی، در پیوند با دانش روز، می‌تواند کلیدی برای برون‌رفت از چالش‌های قرن بیست و یکم باشد.

این، اوج تعهد و ایمانی است که از قلب دانشگاه تبریز برخاسته و با برنامه‌ریزی‌های قاطع و پیگیر مدیریت شهری، اکنون در تار و پود زندگی شهری جاری شده است. تبریز، تاریخ خود را با یک فصل سبز و هوشمند، مقتدرانه بازنویسی می‌کند و به تمام آسیا ثابت می‌نماید که آغاز یک جهش سبز داده‌محور و پایدار، تنها راه نجات و بهترین میراث برای نسل‌های آینده است.